

بنالیم - هر طرز قهر و عهده سفید بخیزد - در کارهای
 نافه همیشه تقسیم بود دو اجزای و زیادتیهای غیر
 ضروریه و غیره - دعوی دینداران و قیام و انزویست
 بفرمان مدعی باسلامتیم و از پدوی بدستگام متعنه
 آنکاره - در جنگی و در کاره جوی همیگر ضعیفیم -
 جنگی را در دوست کدی و همه قولی در برخوا در
 اجزای کارهای بیعی تصور کردیم - و عدم بلا شرا هم
 جنگی و کارهای مثل اینها بداند میبایدیم -

حکام بجا بمانی فرماید با این تعویضات جامع و مانع
 که در متن واقع در هموم - با ایرانیان حکم طبیعت قانونا
 پیدا نموده - بجز در منزل میرزا علی ناصر خان
 امکان دارد کارهای ملک بوعلت اصلاح پذیرد
 نه واقعه - نه باقیه - (جهتی بایست تا خون شیر شد)
 مسلم است - هر چه ممکن بخان امور دولت و
 لغتیار اداره ملک ایرانا بکف گیرد - اول اقدامیکه
 باید بکنند در اصلاح نظام دولت از مقام بقالی و
 معطلی سرگذرها منقوشتر است خواهد بود -
 معلوم است هر اوان گرم کلفت بوسلطة همین لغتشان
 دفترشان میخورند - به تنها بلان میخورند - اول
 ملک بود دولت را میبایند - و هر يك سالی هزارها
 تومان دخل میبندند - اما اگر دفتر اصلاح شود سر آنان
 تا اندازه بیکلاه میباید - هر یکدها بلند - بخرها بریا
 خولقد نمود - از يك طرف مات جاهلی - و از نکات
 کاد غیر واقف - از طرف دیگر نه اخبار داریم که
 ملک را بجهان و بر فرض اجرای اخبار ملین سواد
 خواندن ندانند - و چنانکه که خودشان شريك دزد و
 رفیق قافله اند - يك کلاغ چهل کلاغ بمحضور مبارك
 شاهانه هر چه - یکی یا شاهرا مرعوب داشته - که ملت
 زبونك است بشورد - دیگری عرض خواهد نمود
 قربان - ملاحظه فرماید که در ایام ریاست فلان چطور
 با آرای کارها ادبه میشد چکه صدا از احدی بلند
 نمیکردید - ازین معلوم میشود که فلان تدبیر کار
 نمیداد و تجربه انتظام امور ندارد

در چنین موقع کسی نیست بمحضور مبارك شاهانه
 عرض نماید - شاهانها - ملک خولما - رعیت نوازا -
 قربات کردم - چکه خرابها از آفرامهای اوست که سر
 ملک و دولت را گرم کرده منافع مطویش جست و
 جست - اگر این تدابیر نبود - و اصلاح دفتر
 نگردد - ولو ملک سالی هزار ملیون تومان بدوات
 دهد - روز بروز دولت پریشان - ملک خراب -
 ملت تباه و میشود - فلان شمس که این انتظامات را
 ننگرد - سعی در اقراض دولت بود - چکه از
 بی انتظامهای اوست - که دولت زیر بار اینهمه قرض
 رفت - و هر گاه امروز جلو گرفته نشود - و اصلاح
 دفتر نگردد - باز دولت محتاج باستقراض خواهد
 گردید - و کم کم کار جانی خواهد کشید که جمیع دخل
 دولت - کفاف سود وجوه استقراضی را ندهد -
 عاقبت و خیمه این امر بکجا منجر خواهد شد -
 اعلیحضرت شاعنشاهی بهتر میدانند

خیر اگریم این هم پیشرفت کرد - لابد باید
 عمل عالیه را اداره کرد - و بدعی جمیع املاک را بیک
 میزان قرار داد - تا فلان خان - یا فلان وزیر و جهان
 عالم - مالیات ملک خود را بروی رعایای بجاوه هم ملک
 نیندازد - و آنرا تباه و برباد نسازد - یکی نگوید
 این ده تیول من است - دیگری سرايد - که مالیات این
 مزرعه موروثاً بمن بخشیده شده - چون عمل مالیات را
 بخواند به تساوی قرار دهد - البته صداهای دوم
 افتاده - یکی و اظها گوید دیگری و اجعافا !
 آنوقت خرابی و رسوائی با رکن

ظلم است که امروز روز ملک ایران یا عالیه
 یا رجل دوات - که یا مالیات نمیدهند و یا از روی
 قاعده مساوات يك برده از آنها طلب خواهد شد
 در اینصورت خودتان بهتر میدانید چکه چه بخش
 بریا خواهند نمود - و چه گریها خواهند رفتند -
 و چه فریادها بلند - و چه تدبیرها در لغو این عمل
 نمیدادند و تجربه انتظام امور ندارد

خواهند کرد - در یک روز همه تکرانی بحضور
 هاپوتی خواهد رسید - قربان - رعیت تمام شد -
 ملت برپا رفت - ملک و بران گردید - آنوقت جمیع
 متجاوزین و متنفذین - متحد شده یکی خواهد فرمود
 این ظلم بین میباشد برعیت به - دیگری خواهد سرود
 که این بدعت و خلاف شرع ابراست - آن دیگری
 زمره خواهد نمود - که معنی عقل و تدبیر را فلان
 وزیر داشت که ابداً دست باین کارهای واهی نزد -
 مردمرا بسدا نیاورد - همه کر عداوت آن خیرخواه
 ملت و دولت را بر میان خواهد بست - يك مدعا علیه
 و صد هزار مدعی چه کند - نمود الله اگر پادشاهرا هم رای
 مستقیم باشد چون ملت جاهل و از نفع و ضرر خود
 بیخبر و قصب و نیز از کارهای دولت خویش تاکنون
 استشمام رایحه خیر برای خود نکرده - با اینکه قانون
 مساوات - در ادای مالیات برای آنها مفید است - بالقاء
 شبهه متنفذین و متجاوزین بسدا آمدید - عرضها بدربار
 خواهند پیش کرد - و تکرانی خواهند نمود - قربان -
 ما همان وضع قدیمرا خواهیم - آیا از برای فهماندن
 ملت و استقامت دولت - و سد تدبیر خود فرزان در
 اغتشاش مملکت چه قدر وقت درکار است ؟ خودتان
 بهتر میدانید -
 از این هم در گذشته - قرض میکنیم وزیر نازه حالا
 میخواند من قانون شریعت مطهره را بالمساوات در
 ملک و ملت اسلام جاری دارد - خود بفرمائید چه
 صداها از همان دو فرقه مذکوره که سالها بل قرنهای
 درار حکمران ما حجاج را بارث نموده و استبداد راه
 رفته اند بلند خواهند شد - یکی خواهد گمت ایران را
 مرگستان نمود - دیگری خواهد سرود که ملت ایران
 حامل و قابل اجرای قانون مساوات هستند - آن
 دیگری خواهد فرمود که آب و هوای ایران این چیزها
 را بر میدارد - باز بنای القاء شبهه نعوام خواهد شد -
 آن فلک زده های حامل را سنگ روی یخ خواهند
 نمود - حس یا حسینم شروع - و صداها بازی خواهند

و آواز - و هزاران تمسک و افتراء به یلی و مؤسس
 این خیال خواهند زد - و بکتیا فعل و فعل -
 تحت این نظام همکاری فدی شود - جماعت مخالف پیدا
 شده همان کاسه و آشپز و یخنی و لوانش پیش خواهد آمد
 - هرگاه شخصی شخص و ذات اقدس پادشاه را قیل
 از وقت جمیع این مرتبه را خوانده - و همه این
 هوالمرا طی کرده بارای مستقیم - و حکم پنهان - مصمم
 اصلاحات ملکیه و ملیه و دولیه شوند - و هر شخصی
 از هر فرقه - اعتراض کند - در کمال ملایمت و حلم
 عام فیهامه - او را عجاب سازد - و هرگاه باز بالقاء
 شبهه در نقطه از نقاط - مردمرا بهیجان آورند -
 بقوه تدبیر و نصیحت و طاقت بقوه جبریه آنها را
 ساکت و پیشرفت کارها را بنمایند - ممکن است پس از
 چندی - کلیه امور ملت و دولت - تحت نظام آمده -
 آنوقت ملت نیز قمع و ضرر خود را شناخته - دولت را
 خیر خواه خویش است - در ترقیات ملکیه و ملیه و
 دولیه همه قسم مساعدت دولت خویش واقع شده
 کارها بر وفق صرام صورت بندد - ورنه اگر خدای
 نخواست پادشاه مستقیم المزاج باشد - و بلند نسبی از
 جای جنید - و انبیا حکم و مسلک دهد - و مشاغل
 دولتی را بجزل و نصب و طرد و تبعیدهای بیفلسفه
 تبدیل فرماید - اگر هزاران بسارک را بوزارت بر
 کاره - بجای قمع ضرر و بمقام سود زیان خواهد برد
 سلطنت ایران سلطنت شخصی است - ترقی و تنزل
 آن منوط بدانش - و مربوط بتدبیر شخص شخص
 پادشاه و عکس آنست - وزیر نهایت معاون و مساعد
 پادشاه تواند شد - و نیک و بد و زشت و حسن
 هرکار را پس از مشوره بر شخص پادشاه ظاهر تواند
 نمود - صدور حکم و اجرای آن در سلطنت های
 شخصی منوط و مربوط بشخص پادشاه است و پس
 من از مفصل این صه عملی گفتم
 تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجل
 راقم (ع - و - ح)

مکتوب یکی از دانشمندان غیور (شعبان ۱۳۴۱)

مؤید اسلام. لاوالتمؤیداً بتییداقوالعظیم از استماع خبر وحشت اثر خروج یا اخراج جناب میرزا علی اصغر خان صدراعظم سابق ایران - که بعضی از طبقات نادریشان پاکدامن و مدد و خوشی و مسرت - نقل هر محفل و مجلس کرده اظهار بغور سندی مینمایند - چنان آتشی بجایم افروخته که هر چند خواستیم بآب محفل و صبر فرو نغایم ممکن نشد. ناچار آتش درون سر کشی کرده بنگاشتن این چند کله اقدام ورزیدیم - هرگاه خطائی سر زده حمل بر بریشانی حال و اغتشاش احوال فرموده - بفرستوده رقم اصلاح فرمایید

الحق شخص وطن پرست دولت خواه ملت دوست هرگاه سبیل خون از چشمه چشم جاری سازد سزا و مجازات - بولی هزار حیف نمیدانم برادران وطن محبوب ما را چشم بصیرت و دیده چنانی کور شده یا از نجات نبوده است (ام علی قلوب افاطلس) این چه بیاشفت و خورمی است که دشمن جان و مال و دین و آئین و ملت و دولت مان که در خرابی و بریادی ما هیچ دقیقه فروگذاشت نموده - پس از آنکه بدست افتاده و ممکن بود جزای کردار ناپسند عاشر در کنار نیم - چون از دام رهائی یافت خوشنودی از سر بگیریم - و آرزو را یکی از اعیان عظیمه شماریم - اف بر دانش و بینش ما ها که از حیوانات کم تر است ای برادران عزیز بیاید اندکی در احوال خود و برادران وطن تأمل و فکر نمایم بقول بابا طاهر
 چه سونه دلان گرد هم آیم
 که قدر سونه دل دل سونه دونه

اگر بایکدیگر نشسته احوال زبون و نکبتها و ناچارها و درماندگیهای خود را که بسی و کوشش این خان دولت و ملت گرفتار آن شده ملاحظه میکنیم - بوقت خواهیم دانست که از رهائش بدون باز پرس و نه این سزای اعمال دو کنارش باید فوج و سرور نمود -

با ابواب هم و غم بر روی خود گشود (نمود باله من سبات القلب و قبح الزلل) تاجه اندازه عقل و خرد و شعور و هوش از ما کناره گرفته و در راهی جهل و نادانی سرگردان و پریشان مانده ایم - خداوند تبارک و تعالی بکرم خود رحم فرماید (که مبادا ز بد بدتر گردد) حاصل فرح و سرور مان از آنست که - قاتل خود و برادران مان - و خراب کننده خانان مان - فروشنده نفوس و امراضمان بدشمنان - سبب کننده عزت و اعتبارمان - کننده بنیاد مذهب و مملکتان - تباہ کننده ملک و دولتیمان - ناسزا گوینده بدین و آئینمان - استهزا کننده به پیغمبران و کسبیمان - یتیم کننده فرزندانمان - بباره آخری دشمن همه چیزمان - در حالتیکه در بد قدرتمان بود و قادر بودیم بر قصاص خونهای ناحق ریخته دادیم - و خسارتهای مظلومان خود باختیار از دستش بمانده - اظهار فرح و نشاط و سرور انساط بکنیم

افسوس که خون ناحق وزیر دربار اعظم هم مثل سایر خونهای ناحق هدر رفت - هزار حیف صدمانیکه با ساطین دین مبین و سروجین شرع متین از تبخیر و تشرید - و حبس و قید و اسر - و خانه خرابی - و قتل - و اضافه و سایر صدمات وارده او هباء پنبورا گردید - آبا چهل کرور قرض روس که سر بیکد و بی و اند کرور میزند و قدری در بنگهای خارجه محفوظ - و باقی آن صرف فواحش و شرابهای فرنگستان شده - برده ما بیچارگان ماند و باید تا قیمت جان کنیم و ادا نمایم ؟ آیا خانه ملت بنوای فلک زده باید بهمین خرابی بماند ؟ و سزای این همه خرابیها و تباهیها که ملک و ملت و دین و دولت را تا رور حشر گرفتار نمود اخراج بلد و توبه اش حج مکه معظمه است ؟ که هرگز اعتقاد بآن نداشته و نخواهد داشت - شنیدم سرشدش که مانع بقطب مکعب است به مریدهای خود نصی مطالب یاوه مینموده گفته که عملاً اظهار آن را مناسب ندانستم - زیرا که هایه هتک دین اسلام در انظار سایر ممالک است

غرض کاش اندکی رساله دولت نام دارد فکر مآل کار بودند اقد حساب ~~بسیار~~ مال ایام طولانی او را میکشیدند. تا معلوم شود آنچه بخانه خراج و عینیتش و فروختن شان حکام و ولایات خود غرض بی پایان داخله و دول خارجه تحصیل جنگزده ایجه مصرف رسانیده. و خزینه دولت ~~بسیار~~ پستالک دسامین است مخرج بجهیز کدام لشکر و تشدید کدام قلاع و حصون و حفظ کدام حدود و نفوس اخلام شده. اما حصون و قلاع قدیمه خراب. لشکریان ~~بسیار~~ پاسبانان ملک و مات اند حیره و مواجعه هه ماله و چهارساله ایشان نرسیده. گرسند. جزمه. بعض دینداری و دولت خواهی خوااموش و خلقة اطاعه بادشاموا در گوش دارند. علم لا يزال آنگه و دلالت که هیچ ماتی ارمات هیبت ایران شاه پرست تر بندند. که بعض دلخواه ها بونی تحمل هزارا گزیده صلعه و خانه برآدی از ~~بسیار~~ کتیر بی اسم و پرسم مجهول الالب بنمایند خدایشان جزای خیر دهد. اکنون که تیر از دست رفت جز آن آشوب و اشک خویش و تن دادی بقضا و رضا برضای حضرت کبریا جاره نیست.

مضی ما مضی. باید تدبیری کرد که این ربونی و ذلت را بدل بتوانائی و عزت نمود. اگر چه بطین زوجهی محال است. لکن اگر اهل رأی و تدبیر جمع شود و اغنیاس نفسانی و هواجس شهوانی را بحکما نهد. با عقول سلیمه و سلاطین مستقیمه در بی اصلاح امور جمهور افتد. البته عقوبت اندک. اندک میتوان تا چند سال دیگر آن رفته را بجوی آورد. لای در محله. به نکرانته.

اولا قادن شریف عراق و آیین مشوره و شورا را که حق سبحانه و تعالی عقل کل (مسلم) بولا بان امر فرمود. ~~بسیار~~ (وشاور هم می الامر. محاط ساخته در ملک جاری و ساری دارند. پس از آن باعاق آراء صحیحه باصلاح سایر امور برآیند و باید دانست که هرگاه قانون مساوت در ملک جاری نشود دیگر

مطلوبه رسیدن میگردند و توان جزیره دولتی ~~بسیار~~ داشته داشت. و اگر یک چنین بلایه بر روی آورد نه قوت بازوی دولت و عملت قادر بر رفع و دفع آن نخواهد بود. نامچار باید خنجر برود و همون باکسافل باز آنها نهمزه هرگونه باری نیز دشمنان خود کر صدمه بیهوده منافی و تکلیفی ~~بسیار~~ نوزد معیبه مناج علی ~~بسیار~~ علاج و نفع پیش از وقوع باید گرفت. اگر سوده تکامل و ناسمعی شود. مرد پیدرگان و مرض لا علاج خواهد گرفت.

ای نکالین اعلام. ای سبج اسلام. ای توانبخضرت مقدس مقام طایبه و آیتالملازمین السلام. شما را بحق حضرت مقدس. نوب عنه فان قسم میبهم نکه بفریاد رعایا و غلامان حضرت مقصس قیبه الله علیه السلام ~~بسیار~~ و دایع آینه گوارانید. برسید و ننگلرید شیرازه مایت و قوه پستان گیسمنه. آبرو پستان ریخته شود.

المدقه بادشاه جمعه ها بنز پدر مهربان بر فرزندان و اعایای وطن مهربانتر و دوست خائشان از ملک و مات کوتاه. موقعی به اران مشکل بدست آید. متفقاً هند فرموده ~~بسیار~~ شکی شکسته امی حضرت خاتم النبین (صام) را از گردلب بلا بسامعل نجات کشیده که اگر تعویق شود هر آینه طوقاشهای بی دزدی نخواهد گذشت که روی سلاطین را بینم بند.

آسمان دور و زمین سفید است سخت ~~بسیار~~ سکز نوح ~~بسیار~~ وقت اندک وقت.

و نوحتم الکلام بالسطه كافة اهل الاسلام و المنتصرع الی الملك للسلام. اللهم اما شکوا لیک فقد عینا سلواتک علیه و آله و هجیه و لیس و کثرة عدونا و فکه عدواننا و نعتنا لکن بنا و نظاهر الزمان عینا فضل علی محمد و آله و اعنا علی دالک بفتح منک تعجله و بضر نیکشده و نصر نمره و سلطان حق بظهوره و رحمة منک ~~بسیار~~ عاقبه ملک تاسا ها برجتک یا ارحم الراحمین (م. ص. ۱۰۰)

~~بسیار~~ کشتیهای جنگی دولت انگلیس ~~بسیار~~ در مسارت فرما فرمای هند و خلیج فارس ~~بسیار~~ حسب الامر اعلی حضرت (ادورد هفتم) بادشاه

انگلیستان و کشتی (آرکونات) که از اولین درجه کشتیهای جنگی حیات این کشتی و قوت آن ۱۰۰۰ است. دلایل و در آن از آن برای جین دیده و عیب فراطرفهای بسیار بسیار از خلیج فارس نیز بسیار گردید - در بسیار فزون کشتیهای جنگی دیگر (میسین) - افان کس - پسترس و و یونی) نیز عیب فراطرفها بجانب خلیج فارس در بسیار مینوایند که دید - و فراطرفهای عیب تماماً بر کشتی (هاردنکس) که او نیز جنگی است بسیار خواهند شد - و نیز کشتیهای باتورک استورت (حامل لوازم تلگرافخانه خواهد بود تا در روزها این هر قطعه ضرورت شود تلگراف در آنجا نخواهند بتوانند نمود - کشتی (لارنس) نیز حامل اشیاء ضروریه دیگر خواهد بود - کشتیهای میبوره بیست و هفتم شهر حال از عیبی بجانب کجاچی حرکت کرده در کجاچی منتظر بقوم فراطرفهای مند خواهد شد و فعلاً آنچه معلوم است هشت جهاز جنگی معیت فراطرفها را در خلیج فارس خواهد نمود

بیمون از قیاس نیست که دولت عثمانی و روس و فرانس و آلمان هم هر یک کشتی جنگی در خلیج فارس بسیار بنویزانه فراطرفها بجهت در ضمن نگرای هم از حرمکات ایشان کرده باشند بطرف خلیج فارس در بسیار دلزد و ولی تاکنون در این باب خبری موثق نرسیده است

مکتوب از مصر (۲۵ رجب سنه ۱۳۲۹)

باشکات سلامت باختر خاطر قدم در مقام مولفتمه عزالدین قنوق لسانیت و خراج آهنگن سرابردۀ مایه اندازید - و بگردن در مایه قبول قبول ناراست آن بر اصولان معرکه صدقه فریونیلوید - که هر ساله اندیش غلظت کیش که بنا بر عدم رسانی - و شته اصلیت رای نظام هرمیت در دست اقتدار آن فرقه طایفه مخدول الماقبه سپارید - و پشت مردیول دست بنیان اعتماد آهنگ دهنیم بر آئینه حصوله تمثال - آن صورت را جلوه نما خواهد دید - چنانکه بهرام گور از مراتب سکرتار

نصوب است و وزیر بر حیل و ترقیب خایق ملاحظه نمود

بهرام گور که یکی از ضا نید و مشاهیر ملوک عم و حد بلکه اقتدار و عظمت سر بر آرا و محترم بود در اوایل حال و بلام چهار شتاب و نخوت سلطنت و حوای که هنگام مستیهای باده سرشار ماده بی پروائی و غفلت است. عوسوسه هر روز نفس هوا طالب سیرت آن سراسی لثرواسب و طافع شراب عیش و طرب گردیده. عیان انتظام نسق محاسبات و امور سپاه و رعیت را قبضه اقتدار و اعتماد و بر سر چیده - خود مطابق متوجه امری از امور جزوی و کلی و مراتب ریاست و ملک طبری بنگردید - از آنجا که کاح و خود و بر ساخته آب و گل عدم محبات و بدگویی بود - و کواک داشتن چندان درجه فروغ و با کیزه طیبی بداشت - که در شروط دولت حوای و طایف اخلاص مندی و حر اندیشی صریح دلود - چون دست شعور و موشمندی بهرام را بسته نژاک بخبری دید - مقتضی دانات طبع و علو هوس و اشتغال بآره طمع دست هرج و مرج در خزان اساس آئینه نظم و نسق امور ولایت دراز کرده - از ظهور شیوع حور و تطاول آن بیدادگر نمک ناشناس - سله رونق رفاهیت حال طانا و برای از انتظام اعتماد - فساد و برهم خوردگی قوت عظیم یافته - بار آبادی حماکت با بحال خزان خزان و اختلال گردید - ورقه رفته انقلاب موج بحر و اعتدالی و شورش بیشتر گردیده رواریق رقابیت دلها شکست - رمتاع قواعل امنیت و نظام طعمه کام ننگ حوادث گردید افاق یکی از مخالفین که محل اراده او پیوسته باحطل خیال وزیر از یک حویبار آب نشو و نما حورده بود آهنگ محاربه بهرام کرد - چون بهرام را آستین طور آن واقعه بر دیده شهود کشیده شد - چشم از راه بیهوشی کشوده و سطر غور مشاهده حال شاه و رعیت نمود - دست حکه این اختلال و برهم خوردگی از رهگذار ثقت او و اقتدار و بر بیصاقت است -

اندیشه این منگمه عنان خودداری از کف سبزو
 طاقش ر بوده مقارن آنحال طرم شکار گردید - و در
 فکر تدبیر و تدارك دفع دشمن و کردار وزیر بود. در
 هر ض راه دید که چوبانی سگی را آویخته خوب میزند
 بهرام چون آن حال را مشاهده کرد عنان کشیده
 از چوبان سؤال نمود که از این سگ چه تقصیر دیده
 و او را بجریمه کدام خطا رنجیده بیداری - چوبان گفت ای
 خسرو سبزه سپاه - ای شهریار طلمپناه - همیشه ابر
 مطیر اقبالت رشحه بخش مزرعه مقصود جهانیان باد
 از لبیان جنم باری داشتن

• • در دلش مهر تابان جستن است •
 با آنکه بزرگان گفته اند که سفله و ذوق اعتبار و
 اعتماد را شاید - من این سگ را منافع اعتبار ساخته
 اکثر اختیار گله را به حفظ و حراست او سپرده میروم -
 و بملک شناسی و احتیاط او خاطر جمع بودم - از آنطرف
 ملاحظه می کردم که روز بروز قق در کوفندگان
 بهم میزد - و می دانستم که این آفت از کجاست تا اینکه
 اکثری از گله ام تلف گردید - امروز از راه امتحان
 نهج استمرار اوقات سابق کوفندگان را بامید او
 گذاشته خود بکوشه مخفی شده دیدم - ماده وکی ظاهر
 شده با سگ در آویخته بعد از آنکه مطلب سگ از آن
 برآمد - کوفندی را انتخاب کرده به برد - چون
 این خیانت و ناراستی از این سگ خیانت اندیش
 دیدم - اکنون بجریمه این تقصیر تنبیهش میکنم

هر کس بدست سفله دهد اختیار خویش
 باشد چنانکه مار دهد ره در آستین
 جنم وفا مدار زنا جنس سگز خرف
 ناید فروغ خاصیت گوهر نمن

شهریار چون از چوبان این ماجرا شنید با خود
 گفت مقدمات این چوبان و آنچه سگ کرده معاملات
 من و وربراست - هر آینه جریمه جرم او را بازخواست
 عظیم لازم و درکار است - همینکه بهرام از شکار مراجعت
 کرد - فرمود وربر را محبوس و مال و نعمت او را

بجاه تمام نمود - و در میان اسباب انوشتجات و
 مکاتب از خصم بهرام ظاهر و معلوم گردید - مشخص
 شد که آن خصم بدلان و مظهرت وزیر آهنگ عباره
 بهرام کرده بود - وزیر نابکار مدعی دروغ حبس گرفتار
 بود تا آخر بهرام او را بسبترین عقوبت بقتل رسانید
 در کار و شغل ملک مده راه سفله را

کوتاه کن ز دامن نفس دست قلمه را
 کار شبان بگرگ مفرما که طاقت
 بر باد میدهد سرو سامان گله را

نتیجه

بر هر تقدیر از گسترش من بساط تحریک و تقریر این
 مقاله مدعا آنست - که هر عاقل صرصر محوم دخل
 و شرکت و ربط و مجالست تا نجیبان بی آبرو و بیوقاران
 فتنه جو را در گلزار حال و کار خود رخصت عبور
 دهد - هرگز گریبان نرهد و صفای جن سرای راحت
 خواطرش از جنگه تطاول و خسران خزان افسردگی
 نرهد - بر هر یک از نشاء طلیان باوه گوارائی عزت و
 اعتبار واجب و لازم است که از خارستان آمیزش آن
 فرقه زشت خصال کناره جسته - دامن آزادی و فراغت
 بلوث تشویش آشنائی ایقان نیالیند - و اندام نافرجم
 آنان را از لباس اطاعت و اقتدار نیارایند - که از سبب
 دست تسلط و تیزی ناخن زبردستی و رشادت ناکسی
 سفله - ابواب انواع ختلها و نقصانها بر چهره احوال
 خاص و عام گشایند - و بسی بدعتها و الاعتدالهای فاحش
 رخ نماید - اورنگ آرایان خطه بختیاری که طریقه کار
 آگاهی و شعور ملازم رکاب طبع قاعده دهن حقایق
 بین ایشان بوده - در هر صه تقدیم مراسم حل و عقد
 امور معاذل آداب دانی و افروخته اند - اراذل و
 نا نجیب را محرم سرا پرده اعتماد و داخل هیچ امری
 از امور ندانسته - انگشت نا قابل آن گروه ناشایست را
 لایق و مستند خاتم تقویض مقام و رجوع نمیدانسته اند -
 و پیوسته سایه چتر طافت و تربیت بر مفاوق ناظمان
 سلطه جنابیت و اسالت گزوده ابواب انصار جمیع

امور را بنسبتاری کلیه امثبات رای مقدمه گهای آن
حلقه علی ترازوی کسودماند - چنانچه زمزمه عندلیب
این حکایت بر شامخار شهادت صدق و صحت این مدعا
بلند آوازه و دلگشااست (غ - ک - س)

افغانستان

بموجب خبریکه از کابل رسیده - والا حضرت امیر
جوان جوان محنت امیر (حبیب الله خان) دوا به درمیدان
تزیات ملی و ملی و دوا افغانستان ناخفته است قانون
اماس هندوستان را توجه کرده جرح و تعدیل نموده
درین سال بنده این اساس نیکبختی را در ملت افغان
خواهد گذارد - دارالتونی نیز که دارای شعبات بسیار
است افتتاح فرمود - از همه بیشتر توجه در استحکامات
سرحد و ازدیاد قوای حربیه دارد - این ایام بحیال
لزیدیاد آبادی املاک بیره و زیادتی زراعت برآمده از
امریکا چند نفر دانیان قنون فلاحت را طلب کرده اند -
در چند جای افغانستان معدن ذغال یافت شده امیر
اشخاص بهرب از کارخانه خود فرستاده تا تحقیقات
کامل شده کیفیت را عرضه دارند - در افغانستان معادن
بسیار است - هرگاه امیر دست بدین کار زند خیلی بر
ثروت ملت افغانیه خواهد افزود - چند نفر انگلیسان
ملازم امیر گویا همس نموده بودند - که هرگاه امتیاز کار
کردن در معادن را بکمپانیهای انگلیس دهند خالی از
صرفه و نفع نیست امیر جواب داده مسلم است صاحبان
کبابی این زحمات را برای جلب فائده متحمل میشوند
ما بنوه بنانهه محتاج ترم و آدم بیکار در افغانستان
نسبت بانگلستان خیلی بیشتر داریم - لذا صرفه دولت
خفاداد در آن است که لویاب علم را از خارجه
نوکر گرفته مردمان خودمان را بیکار نکناریم و این
فائده را خودمان به بریم و ملکمان را نیز از خدمت
تصرفات این متمدین محفوظ داریم

آری چون ملتی را خدولونند سعادت می بخشد و
بخت را یار و معین میکند این گونه راجل با دانش و
سیاست عالم فاضل را درو آنها سابق میگرداند - بزرگان

گفته اند که حتی امتیاز جاروب کشی بخارجه دادن ریشه
خانه کجوتش کنند است (قاعبتروا یا اولی الابصار)
اخبارات داخله

از اول اکتوبر ماه جاری صوبه برار در ممالک
متوسطه هند شامل گردید - (برار) صوبه بزرگی از
مملکت دکن بود که فرمانفرمای هند (لارڈ کرزن) از
نظام حیدر آباد برای دائمی اجاره نمود

فرمانفرمای هند برای رعایت مضافات (گردوال -
و کاؤن) رفته تا چهاردهم شهر حال در آن نواح
بوده مجددا بشمه دعوت نمودند

(مستر بیلات) که از اعضای فوج (الیکس)
و نیز قشون انگلیس است برات بنگ حملی به بنجار
بنگلور داده گرفتار شده در مدوام عدالت ا را شش
ماه محکوم به حبس با مشقت نمود

افواه است که فرمانفرمای هند برای عملیات و
مزدوران آتی جاری نموده که از ساعت شش صبح تا
ساعت شش شام مشغول بکار باشند و ضمناً یک
ساعت برای خوردن طعام رخصت خواهند یافت

سردار محمد یعقوب خان وزیر حیدر امارت
(خیبر پور) سند برنجی ترمیمات و تخفیفات را مد نظر
گرفته اصول صرفه جوئی را برای این امارت اسلامی
اختیار کرد است

تا وقتی (لارڈ ایمنگتن) حکومت تازه عبثی وارد
نشود (آرنل سر - جی - طنه) سکه از اعضای
شورای حکومت عبثی بود نائب مناب ایشان خواهد
بود

در احمد نگر بامد و هیجده نفر پوثران که از
اطاعت دولت انگلیس انکار نموده موجود - در مقامات
دیگر هند نیز پوثرانیکه اطاعت قبول نکرده موجودند
سرداران پوثر برای راضی نمودن ایشان با طاعت
انگلیس بهند می آیند افواه است سکه اگر بازم
قبول اطاعت نه نمایند آنها را در حبس خانه های عمومی
مخولند فرستاد

§ بسمه (سرپرست) وزیر سابق انگلیس در
 حیدر آبدی بعد نیست (اسم) - می براس - چنگ
 مقرر شود
 § در طوفان و طغیان کشمیر هفت هزار خانه خراب
 و سی هزار نفوس بر جانان شده اند
 § مهاراجه (آپور تپه) عنقریب برای سیاحت
 چین و ژاپن خواهد رفت
 § نظام دکنی برای مدتی خرج بهر سینه چلکده هزار
 دوپه مرخصت نموده است
 بقیه مکتوب بلکوبه

(از شماره ۸)

آحرالامر از ارض بابل بحسب فلسطین هجرت
 فرمودند و حضرت کلمه را در زمان خود کسی تصدیق
 نکرد - مگر نردمه قلیله - اشراف قوم نوح علیه السلام
 که صاحب مکتب و نروت بودند - دیگران را مخاطب
 ساخته می گفتند (لا تدرن آهنگم و لا تدرن و داد
 و لا سواط و لا بعوت و بعوق و نسا) چنانکه
 حضرت نوح عجی در مدت نهم سال قوم خود
 را نتوانست از بت پرستی باز دارد شاها نمیرسد که
 زبان طعن کشوده دیگرانرا مورد طعن نماید - و اگر
 ما در این عمر قایل نتوانستیم ایم نصیرا به فیض اسلام
 فایز گردایم - هر آینه نفوس کثیره را از کفر و ضلالت
 باز داشته ایم و اگر مانند شیخ المرسان معمر شهید - محتمل
 است که هشت هزار یا زیاده را با نوح اسلام نمودیم -
 و اگر نتوانستیم هر آینه قصور و یا تقصیر از طرف خواهد
 شد - نه از ضعف دلال و برهان حقایق دین حیاس
 اسلام اگر چه از کلمات شما که بجهاد حاسی رین للعابدین
 تقی یوفد ارسال داشته و نوشته اید - معلوم میشود که
 برعم شما دعای دین حنیف اسلام دلیل کافی و وافی
 نداشته - لهذا بعضی از فلاسفه آن داعی حق را بطراری
 و شعبه ناری منسوب ساخته دین و آئین مخترع شما
 را از حقه قوت دلیل و برهان رفقه عودیت برگردان
 نموده است - بی شما را سرد که اینگونه بکانه کفر عود

زنده بر ایران فرود بود و در مدتها اوراق و
 ارقام جاری و نگارش یافتند - چنانکه شایع است از
 سرسری و هفتاد بیست مخترع جمیع امیا کافر شده
 اند - و حتی بگوشم از همکشان شما شنیدم که کلمات
 مکتوبه خراب را بر کلمات باطنه توجیح میداد - از
 این جهت میگویم که ایمان شما در آن اوان که ظاهرا
 از مسلمین محسوب میشد سرری بود - و درین دین
 مخترع نیز سرسری هستد اگر مخترع دیگر در این زمانه
 ظهور نماید - البته از آئین دینی برگشته گردیده و بعد
 خواهند شد - یعنی از لایالی و مردمان محول بیکار
 بسیار فقط بران زمین اینگونه احداثات تازه و اختراعات
 جدیدی برای گذرانند بومی خودشان فراهم میآورند -
 و در ایام قباد که ملک الملوک بود مؤذک طاهر گردید و
 دعوتها ایجاد نمود تمام اهل ایران که در آن زمان آتش
 پرست بودند دعوی و مرا لیدک گفته تبیب او را نمودند
 و بدو خلق معتقد شدند - حلق خود بزبان و خالق
 شراب من - بلکه بالاتر از این آن است عطا خراسانرا
 که لقب بمصنع بود در دعوی الوهیت تصدیق نموده
 گردیده الوهیت وی گردید - چنانکه شما بدعوی
 الوهیت (بها) معتقد شده اید و اگر انکار این مضمون
 هر آینه از نوشته های بها آنرا سچل و مبرهن بخولیم
 نمود - از تمام ایران نفس پیدا شد که مجملات مؤذک
 را افعال نماید و بطلان دعوی و براسعه و مبرهن
 نماید - شما را چگونه میسر میشود که بطلان دین مخترع
 خودتان را ادوات نماید - زیرا که نه خود بنور علم
 الهی مستقیق و منور شده اید - و نه برکن و تقی
 اعتماد کرده اید - مگر جهای نفس منتهی وی (همچ
 دراع بنیون کلمه ناعق و بیولون مع کلدیج)
 یا من بر خود بیک مقصد کم کنی
 یا من با ایدین بره بیدلیل
 قطع این سر حربی مبرهن خضر مکن
 ظلمات بسبب تپس از خطر گراهی
 چنانکه بجهاد باج دین مخترع شده اید و

تجدید آن را در لیسانس عقلا ...
 و در آنجا ...
 افرا ...
 عقلا ...
 توحید ...
 دلائل ...
 و الايمان ...
 شده است ...
 غیر از ...
 است ...
 دلائل ...
 با آنکه ...
 یکسانند ...
 صاحب ...
 تکذیب ...
 حق ...
 هر دو ...
 و حال ...
 شیکاگو ...
 بدیهه ...
 و وقت ...
 کلمات ...
 و این ...
 بکن ...
 خطبات ...
 (و این ...
 من قبل ...
 ای ...
 الهی ...
 آنگونه ...
 از ...
 کنیم ...
 متناقص ...

ایقان و بحر العرفان از قلم اهل نوشته شده - در آورده
 مستند حقایق ذنب مخترع شده اند - چه آنگونه اخلاقی
 و تناقض در کلمات نشر واقع نتواند شد - و حال آنکه
 خدای تعالی در کلام مجید میفرماید (لو کان من عند
 غیر الله لوحدوا فیه اختلافاً کثیراً) مفاد کرده آن است
 که کلمات الهیه باید از اختلاف و سانس مبرا باشد
 کلام بشر را لازم فاده که دارای تناقض و تحول
 باشد - و هر کس که کتاب مسمی باقان و اقدس را بر
 خدای تعالی مسوب نماید - هر آینه بهتان و افترا بر خدای
 تعالی است - (من اعظم من افترأ علی الله کذبا) و شما
 را لازم بود که هر دو کتاب را از انظار اهل علم
 مستود بدارید - و بسیار سهو فاحش نموده که کتاب
 مسمی باقدس را بحجاب حاشی مکرر ارسال داشته اند
 این هم از اطامع ادعیه است که حاج مکرر را از سرود
 نگاشته طاری دانسته - خیال کرده اند که به محض
 سواد ورفته خواهند شد - چنانکه شما فریبته شده اند - اگر
 محتاب بقی یوفی لوزواک مکتبه - عاری است ولی دارای
 دانش فطری است و در عبادت حقه همان راسخ است که
 لا تعجز که العواصف و لا تزیله الا واصف) مانند شما
 که هر مدعی را صدق و هر داعی را لیک نگویید - و اگر
 همه بخوام برخی از کتاب متناقصه آن کتابها را موسم
 مذوی هداد من کاغذ شود - و این قدر میگویم که شما
 را از اعتقاد و قول باحد امرین جاؤ میبود - ناماد
 قائل و معتقد شوید بحایب آن عمل تبیح - و ...
 بحایب جمیع اعمال شیمه و قبیحه - و یا آنکه معتقد شوید
 به ظلال و فساد دعوی صاحب شما - شایسته و ناصحیت
 را - چه که اعتقاد محرمات باعمال شیمه و شایعیت و
 ناصحیت وی شرع نمابین و جمع ... است ...
 چیز امکان خارج - اگر از شما اسبابی یافته شود
 وای لکم هذا - و بدیده حق بی بنگرد - و مگوش حق شود
 بشود هر آینه از خود کتاب صاحب شما صدق مماله
 ام را مدلل و برهن میبایم - و این کو لر شما اسباب
 و کواسان مصعب

آدمی در عالم خاک نمی آید بدست

طلی ارنو باید ساخت و ز نو آدمی

بجمال آواری خود گریه نمودن بهتر از تعرض
بدیگران است - و شیرشزه را محرك شدن غلط صرف
است - دوغ خوردن و بدمستی نمودن خطای محض
است - و اما و ایام لعل مهدی و فی ضلال مبین -

والسلام علی من اتبع الهدی - سلك منهاج خیرالورا

(حقیر الی الله الوهاب ابی تراب)

فدائی ملت و دولت اسلام

اعلان

شرکت عمومی ایران

از تفصیلات خداوندی جناب عظامه و میامن اقبال
بیزوال اعلیه حضرت قویوشو سکت همیونی خلداده ملکه
و تقویت اولیای دولت ابد مدت قاهره خاصه
جناب مستطاب آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه
دولت علیه ایران که الحق والاصاف نسبت تمام کارهای
داخله و خارجه شرکت عمومی ایران کمال مساعدت و
مراهمرا بمنذول داشته اند - حساب سال ثانی این اداره
الی دویم شهر محرم الحرام بوشقان نیل (۱۳۲۱) تشخیص
یافته منافع یکساله معلوم و مشخص گردید - بعد از وضع
تمام مخارج و خساراتیکه در سال گذشته ارباب حریق
دشت و آنزلی بان اداره وارد آمده بود - موافق تقسیم
جناب حاجی مالدوله و تصدیق جناب آقا میرزا محمد
حسین مستوفی سررشته دار کل دفتر حسابه مبارکه که فول هر دو
در هفت امور خاصه در امر تقسیم و حساب مستغنی
ار تعریف و توصیف است - نومان یک هزار و پانصد و
هفتاد دو دینار در سال که عبارت از نومان صد و
سی و یک دینار در ماه باشد حلاق عالم سود و منفعت
کرامت فرموده است - که تقریباً مقدار قبلی از صدی
شانزده کمتر میشود - توضیح آنکه هرگاه در حریق گیلان
حصارت نوقاله ده متوجه نمیکشت خیلی زاده بر این
حاید شده بود - لیکن از آنجهیکه مع و ضرر منوط بتایید
حضرت داور است نه بسی سر بجه بشر در حریق

گیلان چند اداره از ادارات مشهوره این شرکت خسارت
وزیان متوجه گردید - منظره از حسن نیت شرکای محترم
و غیرت بعضی از وکلای غیرتجد این اداره که با نهایت
درستی و کفایت کار کرده بودند بعد از وضع مخارج
و خسارات وارده این مقدار فاضل محاسبه گردید - که
باز هم از تمام شرکتهای بزرگ زیاد تر و آبرومند تر
عمل شده است - به علاوه مقدار کمی که خرج راه
شونه آستارا سکت نتیجه و فایده این بندها عاید
خواهد گشت - و با اینکه موافق کتابچه امتیاز طریق
مظفری که عبارت از راه شونه آستارا باشد بعد از
انجام ثبات راه بایستی شروع بگرفتن حق العبور نموده
باشند - محض رعایت عابری تاکنون شروع بان کار
نشده است - و حال اینکه خیلی از ثبات بیشتر با تمام رسیده
و راند بر مأمول یشرفت سکرده است -

بالجمله منافع حاصله یکساله که از روی نسبت تقسیم شده
است منوط با اختیار صاحبان سهام است - اولاً هر کس وجه
نقد لازم دارد از روی نسبت آنچه سهمش میشود قبض
داده دریافت دارد - کسانی هم که ورقه سهام دارند و در
بلاد داخله و خارجه میباشد سهم خودشان را مشخص کرده
و اداره شرکت همان بلد قبض داده دریافت میدارند - و
مدیر اداره آنها در محاسبه اداره مرکزی محسوب
میدارد - ثانیاً هر کس وجه نقد لازم نداشته باشد میخواهد
از بابت عاید سهام خود کلاً ام بصاً ورقه سهام
بگیرد در هر بلدی که هست بمدير شرکت آن بلد
رجوع کند - ثالثاً در صورتیکه نه وجه نقد لازم داشته
باشد و نه طالب تکثیر ورقه سهام شود بلکه میخواهد
بنوان سرمایه بگذارد یا فرعیکه مخالف اعتبار این
اداره نباشد از قبول آن مضایقه نخواهند کرد - هر کس
هم از آحاد و افراد شرکای محترم خواست باشد بمقتار
محاسبه رسیدگی نموده از جزئی و کلی عمل کرد یکساله
مستحضر گردد - بمجرد اینکه خود یا وصیانش با اداره
مرکزیه اظهار خود دقار محاسبه را ارائه نموده تحت
عملرا مکشوف خواهند داشت - در واقع این ورقه اعلان

محض اطلاع اول از درجه صدارت نیرنگ جدیدی ریخت
 بواسطه اولیاء خود که جنرال الشیطان و حزب الکمر اند
 طراحی برای علای اعقاب هرش قباب کردند
 قطب الملکم و آخوند سرخ این صلاح بینی کرده مجرب
 الشیطان طهران نوشته اند که علای اعقاب بتوسط ابن الصباح
 کوی با دولت انگلیس پیوستگی و اتصال بهم رسانیده متفق
 شده اند که عراق عرب را مغشوش و سکنه آنجا که اکثر
 شبهه مذهبند تحریک نموده تدریجاً بهت افکار اقدار
 انگلیس بشوند. و بالمآل تسلیم آنها نمایند. و این ضربه
 بتوسط بسده خلافت اسلامی رسیده باب عالی از
 حرم ماقبند اندیش و کجاست دور بینی که حلی اعلیحضرت
 سلطان عثمانی است که دعوی مدعی بی اقا در دایره
 رهان عنصه اجابت نتواند رسید. و سلاطین عالی مقدار
 قبل از تحقیق به هتک احترام نفوس محترمه اسلامی
 اقدام نفرمایند. و پیش از تفتیش حسب ناموس ذوی
 العناوین را فک فرمایند. محض رعایت جانب
 اسلامیت بر آن نوشته ترتب اثری هر روزه عیناً بمشیره
 بغداد فرستاده. اراده سزیه شرف فاذا نفور رسی آن
 یافت دولتآب مشیر پاشا جناب آقا سید جواد کلید دار
 حضرت امیر علیه السلام که این اوقات کاظمین مشرفه
 احضار کرده. نوشته را بایشان ارائه داد که این چه کار
 قیعی است که علای نجف اشرف کرده اند. ما آنکه در
 پناه دولت علیه اسلامی هستیم. چرا باید اقدامات
 متناقض شرع اسلام از علای اعلام صادر بشود

جناب آقا سید جواد بواسطه حسن سیرت و طیب
 صحبت خود واقعاً مطالب را کما هو بیان کرده و قلم بجمله
 یاد کرد که این حرف دروغ و این نوشته جعل محض
 و محض کذب است. علای نجف ادا ما قوسل گری
 انگلیس راه ندارد. و این صباح را نمیشناسند (باکه
 این نحو سیاسیات در وزراء ایران نیست کجیف
 معاً) این نسبت جعلی است مبنی بر خصومت و عداوت
 با علای دولتآب مشیر پاشا محض ادای تکلیف و
 اغای ماوریت و پیش بندی از قننه موهمه تمهیدنامه

محض اطلاع اول استحضار قطب شرکای محترم قلمی گفته
 بطبع غیر مدبر که بیچینک لذ شرکای عظام از حمل کرد
 یکساله و ترتیبات آنید بی اطلاع نمانند.
 اما یکی از نکات لازمه که برای عموم شرکای محترم
 دالمتش لازم آمده این است که این اداره همه ساله باید
 حساب یکساله را که تا دویم محرم میشود از روی کمال تحقیق
 مشخص کند. مسئله حساب هم چیزی نیست که قبل از
 وقت شروع بشکستن و ترتیب آن کنند. نظایر ابتدای ترتیب
 حساب یکساله همان دویم محرم خواهد بود. در صورتیکه
 تمام وکلاء و شرکای این شرکت با اغاب ولایات داخله
 و خارجه سرکار دارند و تماماً باید مثل اداره
 مرکزیه با جمیع ولایات حساب یکساله خودشان و آخر
 کنند. چگونگی متصور است که در زمان قبیل جمیع محاسبان
 از روی تحقیق تشخیص داد. ناچار طول زمان لازم
 دارد. پس هرگاه حساب شک را در وسط سال دیگر
 که ششماه از سال گذشته میشود بدهند و حساب تحقیق
 باشد نه تخمینی نهایت هر و قدرت را حرج داده اند.
 اما بعضی از صاحبان سهام طوری عجله و شتاب دارند
 که در همان روز دوم محرم که آخر سال است مستفسر
 حساب میشوند. علیهذا این نکته در آخر اعلان مندرج
 گردید که در سنوات بعد از مابث تشخیص حساب
 عجله و شتاب نموده قاطع باشند که اهتمام امسای اداره
 مرکزیه دو تعیین محاسبه از صاحبان سهام بیشتر
 خواهد بود.

فی شهر جمادی الاولی توشقان نیل (۱۳۲۱)
 مکتوب از عراق عرب
 (۱۰ رجب المرجب سنه ۱۳۲۱)
 اخبار عبر القبول
 مؤیداً لاسلاماً - هفته قبل تشکرنامه مرل صدارت
 ایران و یهودی مرض مسری کوفت ایرانیان را نوشته
 بودیم. این اوقات مکاتبی بکربلای مملای رسیده که مایه
 تمسح عقول قادمه و نفوس کامله و سبب حیرت اهل
 اسلام و ایمان گردید. و آن اینست که پس از عزل

اراقا سید جواد کلید دار خواسته آن نوشته را
 بایهالی فرستاده تا عدم تعادل خود از تقش اهل و
 برات ساحت علما را در پیشگاه خلافت کبری بمنصه
 ظهور برساند - آقا سید جواد هم قبول کرده فوراً
 سند مهور نوشته پاداره ولایت بغداد سپرده سورت
 تغییر مزاج دولت علیه اسلامی را تمکین داده آتش
 فتنه همت علمای اعلام انجمن یافت

ولی ما را گمان اینست که این شبهه بکلی زائل
 نشود اثر و نشانه آن در رفتار حضرت سلطان
 مهد و رؤسای منب جعفری از این و بعد آن
 وقع را در نظر اولیای دولت علیه ندانسته باشند -
 و اسفا - و عدلا - و انصافا

ازالة الشبهه

اگر اعتراض کنند که از کجا این ورقه را
 شیاطین محرب الاسلام که در عراق عرب اند نوشته
 شاید جنودالعیطان طهران الفاء این شبهه کرده باشند؟
 جواب گویم - وزراء طهران می شناسیم بهتر از
 خودشان و میدانیم که امینالسلطان و حزبش که فلان
 و فلان و نظائر آنها باشند جمیع شهرهای ایران را باسمه
 نمیدانند - فایت الامر بمسئولین از دانشمندان ایران اسم بصره
 را یاد داشته باشند - لکن کویت و ابن صباح را نمیدانند
 که اسم مکان و شخص است یا اباس و خوراک و نوشیدنی -
 چنانچه نظائر ابن صباح در خاک عثمانی زیاد - و اهل
 ایران اسم یکی از آنها را نمیدانند - البته ناظرین جریده
 محترمه عالم اند که این عرض اغراق کوئی و افراط نیست
 جهالت و نادانی رؤساء سایر امور دولت ایران بر قاطبه
 جهانیان پوشیده نیست

دیگر آنکه قطبالمکعب و شیخ سرخ ابی در عراق
 عرب و یکنفر دیگر ناک آنها که از اهل کربلا و
 فعلاً در طهران و شریک آنهاست و در اخذ رشاء
 و رهن ایران و فروش ملت اسلامی و تسلیم کفر
 شریک و در مدت یکسال در طهران بواسطه امینالسلطان
 صاحب شصت تومان مواجب و مستمری دیوانی شده

و با دید این غره جهانی اسم او را: تظاکر نمیکنیم -
 اشاده آتیه از طهران بجناب عالی - خواهند نوشته -
 این سه نفر که از کیفیات عراق عرب مستحضر و
 هر چه پلایس علماء و اخفاد - بحقیقت تخریب و
 اقتضاح علماء را بهتر از دیگران بلد اند (کرم در خدمت
 از خودش است)

ببین انصاف اگر نظر شود این سه نفر حد
 تخریب دین حنیف بجهت حیفه دنیاوی نثاره فروگذازی
 نکرده اند - و گناه تضييع علمای اعلام را - شوکت دولت
 اسلامی پنداشتند - و توهمین بجهت دین مبین را خروج
 قدرت دولت ایران لشکاشتند - و فهمیدند که بقاء دین
 اسلام و دواج احکام دین شریف منوط بمساعی حیلته
 علماء اعلام است

طرفه شمبه نازه بکار زده اند یعنی در کربلا و
 نجف شهرت داده اند که عزل سدارت واقعی نیست
 بلکه صوری و مبنی است بر مواساة بین اعلیحضرت
 پادشاه ایران و صدر اعظم که مدت هفت ماه صدر
 اعظم از ایران بیرون باشد - و در مدت غیبت آن
 اعلیحضرت همایونی علماء و اعیان را اسکات نموده و
 اهل ایران هم به پند که در اهمیت کار های ایران
 بدتر شده است - آنوقت ثانیاً سدارت مراجعت کرده
 پسند خود نایل و تقه امور را بطور آسایش و فضله
 نمایند - این رنگ را در مشیخین شریفین انتشار داده
 از دو سه نفر علماء تأسف نامه عزل صدر اعظم را
 گرفته بطهران ارسال داشتند - که امینالسلطان نوشته
 علماء را بطلیحضرت همایونی ارائه داده هشتمین پیشگاه
 شاهنشاه بنماید که علماء از سدارت امینالسلطان خیلی
 راضی و از عزل آن مخزون و منعموم اند - تا آنکه
 در غیبت آن اساس مواضع مست نشود و این
 عهد موثق منتقض نگردد - این طرفه تر است از اولی
 از مدر محترم متمنی است که اینفریبه را بدون
 کسر و قصان در جریده بدرج فرمائید که عموم مشترکین
 از اسوال جنود عراق عرب مستحضر باشند که در

موانع بلامنه از احوال اینها گول نهورند.

جی از غیرقلمدان و دین داران و هوا خواهان
 وطن از لول اقدامات عالمه ملتقت این نکات بودند که
 بیرون قوه کادری در تخریب حمله دین سی بلخ کرده
 و میکنند - چنانچه سابقاً عرض شده بود - پس از آنکه
 علماء اعلام سی وانی وجود کافی مینول داشتند که منکرات
 شایعه از ایران مرتفع شود - و حساب قرض را دولت
 از مباشر کل بخواهد که بکجا صرف شده - قوه کاذبه
 محض رفع الزام از خود در نهمت علماء کوشید -
 اولاً بدین شاه داد سکه علماء اعلام بر من ابرامی
 ندارند هر چه حرف دارند با شخص اعلیحضرت همایونی
 است - شاهنشاه ساده دل صادق اللهجه این حرف را
 بمرسد قبول انکاشته تکذری از علماء در قلب مبارکس
 جای گیر شد - ثانیاً همین امور را در باب عالی بدستور
 جنود عقبات خود مشتبہ ساخته حمله دین را معارض
 دولت قلمداد کرده تا شد آنچه شد که در ذرایع سابقه
 شرح آنرا عرض نمودم - و بعد از عزل بیخیاں افتاده
 که علماء را مخصم دولت علیه عثمانیه قلمداد نماید - که اینک
 داعی هرمانه از تدابیر و حیل آنها مطلع شده بمدير
 محترم جریده مقدسه زحمت دادم - که مغنیات مرده
 الفسقه آلتابی شود

و ضمناً همیشه اهل علم و هموم شیعیان عراق
 عرب از عواطف و مراحم عاقلانه و عاقبت اندیشه
 حضرت خلافت کبری اطال الله عمره متشکر و ممنون
 گفته - لیلاً و نهاراً بدعای ذات خجسته صفات آن وجود
 مقدس مشغول و از اقدامات حکیمانه مشیره بغداد نیز
 کمال مسرت و ابتهاج را اظهار دارند - که خداوند
 طول عمر بدیشان کرامت کند

آن دو نفر ظالی سکه نوشته تأسف عزل
 صدارت را داده اند بمیل قلبی خودشان نبوده بلکه
 ایندو بیچاره را پسران آنها گول زدند بطمع کثیف
 دنیوی - اگر درین بین آن دو نفر از کرده خود نادم
 شدند بها - والادرنمره های آتیه اسم خودشان و پسران

آنها را با این شخص کربلائی که هموطن داعی است
 بمدير محترم اعلام خواهم داد - که در جراند شریفه اشاعه
 و انتشار بیابد که هموم مردم از حال آنها مطلع گردند
 و اسفا - که يك آخوند خوشگاز بوسیله خسیسه دو نفر
 علماء را گول بزند - و چنین نوشته سکه تا ابدالذهر
 موجب ملامت است از آنها صادر نموده برای قوه
 کاذبه بفرستد - اف بر دنیا تف بر مال دنیا

ایضاً

خبر تازه آنکه امین الساطان از طهران به قطب المکب
 نوشته است که من اذن سکه گرفته مشرف بشوم
 و اگر شما هم میل دارید بسم الله - ایشان هم اراده
 رفتن دارند - ولی هنوز معلوم و محقق نیست و قطب
 مذکور بعلماء انتشار داده که این عزل نیست صورت
 عزل است و مبنی بر مواضعه - باین حجه از بعضی
 علماء نوشته گرفته شد - شرح مفصل را هفته آتیه خواهم
 نوشت - ولی مکه رفتن خود امین الساطان محقق نیست -
 لکن نگارنده را عقیده اینست که خواهد رفت -
 اگر دولت اذن بدهد - بجهت اینکه امین الساطان بعد
 از مراجعت از قم بنای تقلید امین الدوله را گذاشت چون
 جناب امین الدوله مکتب رشديه را در ولایت تبریز و
 طهران افتتاح کرد امین الساطان نیز تقلید کرده سائر
 مدارس را بند نمود - و نیز عنوان قرض از بلژیک
 را او کرده بجهت سد بند اعواز - و ادای قروض لازمه
 دولت - و خرید اسلحه - و تشکیل بانک - و اصلاح جنگل
 مازندران - و اصلاح دوائر دولتی - و غیره و غیره
 و پس از عزل به مکه معظمه مشرف شد -
 امین الساطان تقلید در اصل قرض را فرض عین
 دانست - لکن از مصارف صحیحه اغراض کرد - و شاید
 خواسته مکه رفتن را هم تقلید بکند و بهانه این سفر
 تخته مضار و معایب دولتی را در قفقازیه به تکمیل برساند
 - باید عقلا و دانشمندان ایران با که تمام عالم از وضع
 ایران عبرت گیرند که حکایت خانم و کنیز و کدو
 خر که او را دیدند و کدو را ندیدند - و اعجاب

عقیده نگارنده این است که مسوولان دولتی و غیر دولتی

میتوانند ازین گرداب مهالیم نجات دهند . . .

(۱) اجرای قانون مساوات در مملکت - چه

می بینیم حکیم علی الاطلاق برای نظام این عالم و آبیانی

این نوع آدم قانون مساوات را بذریعہ جمیع انبیاء

عظام خود فرستاده است . از کارهای خدائی هم که راجع

بغنی است چشم پوشیده . در حیثیات نظر انداخته -

ملاحظه میکنیم اهالی کوجک ترین قطعات خسته دنیا که

اروپا باشد رفته رفته بگرددن جمیع نفوس کثیره چهار

حصص دیگر انداخته - و ترقیات محیرالعقول ایشان را

نمیتوانیم تصور آورد چه جای آنکه بد آنها برسیم -

و هیچ ذی حسی نمیتواند منکر فطانت و ذکاوت و

ترقیات آنها شود . هر گاه کسی انکار کند انکار حیثیات

را کرده . قطعه محقر اروپا که دارای نوزده حکمران

مستقل است . هیچیک را که دارای قانون مساوات نباشد

نخواهیم دید . ما کار باین نداریم که جمیع ترقیات

آنها بواسطه اجرای قانون مساوات بوده - ولی

اینقدر تسلیم خواهیم نمود که اگر قانون مساوات مضر

بمال ملک و ملت و دولت بود هر آینه آن موشکافان

واند ملیه ونکته سنجان منافع دواپه تا این درجه پیروی

از قانون نمیکردند - و باین بیه پای بند بران نمی شدند .

شاه و گدا عالم و جاهل سر در کند قانون نمی نهادند

از وزیر روشن ضمیر متوفای چین (لی هنگچن)

سؤال شد - که علت زبونی و زوال و اضمحلال

ملت و دولت و مملکت وسیعہ ر نفوس کنیره و دولت

قوه چین چه بود ؟ جواب داد عدم اجرای قانون

اساسی در مملکت و استبداد ولایه و رجال دولت در

انور ملت

(مستر گلادستون) وزیر معروف متوفای انگلستان

علی رؤس الاشهاد علت عمده انقراض سلطنت وسیعہ

هند را عدم رعایت بقانون مساوات ذکر نموده

(لارڈ السبری) وزیر بزرگ گذشته انگلستان که

از غایت اشتهار مستغنی از تعریف و تمجید است

که مقنن اساس انبانی و تمدن باید برایشین حال باشد و

مقلدین آن شاد کام . اینک نبرک امین السلطان بطی شد

و نبرک امین الحزمان و الحردان و القردا بازگشت -

برده اقتساده مردم سکوت سکوده اینک برده بالا

رفت - بازی گران آمده اشاه الله بازی علم و جهل

در تیار میدان دوات دولتی مفتوح ولسان اسلامیت و

عقل ایرانیان را ماذون و مرخص خواهند فرمود

(ع - ح)

مکتوب از تبریز

شهره رجب ۱۳۲۱

جناب مؤید الاسلام - منزل مقصود دور و راه

سنگ و پای لنگ است - امروز وقت آن گذشته که

از زبان گذشتگان سخن راییم - و بیا از خرابی و

ربو نهایی سابقه کلام گوئیم - اگر چه تسلیم دارم که

برای عبرت آیندگان بیان و اظهار حرکات گذشتگان

لازم - تا اگر خوب کرده سرمشق و همگام بد نموده

عبرت گیرند - امروز در ایران و ایرانیان مناقشه دو

واحد است یکی راه نمائی که ازین و بعد چه باید کرد -

دیگر اظهار و بیان مایب گذشتگان - بعقیده من راه

نمائی مقدم است - اگر چه روزنامه مقدس مثل سائر

جرائد ایران دو برگی نیست وسعت و گنجایش خیلی

دارد که در هر دو نیز بحث شود - باز هم بحث در

طریق اصلاح را مقدم باید داشت - پس درین صورت

بدون تمهید و مقدمه سؤال من این است که ازین و

بعد ملت و دولت ایران را چه باید کرد ؟

جواب از این سؤال آنچه بخاطر قاصر و عقل ناقص

خطور کرده بطریق ساده عام فهم عرض مینماید -

و از جمیع وطن خواهان نیز محفلت میکند هر کس

را آنچه بخاطر رسد بیدریغ بذریعہ نامه مقدس که منادی

ترقیات مایه و دولیه - و علم را اتحاد اسلامیان است

بر نگارد - حرف حسابی دو جمله است (لا اله الا الله -

محمد رسول الله) ولی برای ثبوت و مدلل داشتن این دو

کلمه دفترها بر شده و باز هم خواهد شد

میکردند و این قانون را در صورتیکه در رقابت دولت میسوار بتواند خود را تکمیل کند - ولی موافق اقتضای این زمان و مطابق قانون فطرت درین قرن - مانند درخت پوشیده که برای استاده طبعاً دست از هم برداشته خورد خورد میبرد - و چندی نمیگذرد که ریشه آنرا نیز خشک کرده (کالم یکن شیئاً مذکوراً) میگردد ازین بیانات مختصر بام فہم ظاهر و مبہن گردید کسی برای حفظ استقلال مملکت و محافظت دولت از اقتراض اجرای قانون میسوات در یک دولت و بین یک باید لازم و واجب و ترک آن حرام است . .

هر گاه بعضی از خود غرضان جاهل بیان نمایند که قانون شریعت مطهره در ایران جاری است - نیست بشرع انور زده و افتراء باسلام بسته اند - سوی موارث و حقوق و عقود که در هر ملک و ملت مطابق مذهب اهالی حکم بدان میشود - هیچ یک از قوانین شرع مطاع در ایران جاری نیست - مسلم است که قانون اساسی یک مملکت منحصر درین سه امر میباشد - نهایت قانون اساسی این سه امر را نیز حاوی خواهد بود

برای تشریح این امر از آن جهاتیکه میگویند قانون شرع در ایران جاری است سؤال میکنم - آیا مسلمان که در اروپا یا چین و استرلیا سکونت دارند موارث و عقود و حقوق خود را جز بقانون شرع بقانون دیگری میگردانند ؟ و یا پیود و نصاری و مجوسیکه در ایرانند در این سه مسئله پیروی از مذهب خود نمیکنند ؟ ازها از جمله مسائل طبیعی اند که در پروان هر مذهب از ابتدای عالم در جمیع ادیان جاری بوده و هست چه و فقط بین مراتب سه حکماه قانون مساوات تسلیم نشود و نمیتواند شد - چه این امر مابہ الابتنای جمیع سلسل تمدن و وحشی و متدین و غیره متدین عالم بوده و هست - و همیشه شامل هر قانون جاری بوده و خواهد بود

ملت بی قانون در روی زمین نیست و حال آنکه این سخن به تصدیق جمیع عقلا قابل اعتماد و اعتبار نباشد البتہ - این نکته را تسلیم داریم که اگر قوانین شریعت مطهره را جاری دارند بهترین قوانین است - اهالی اروپا هم مقتضای مذهب و مذاق خود در قانون شریعت ما اندک تصرف و ترمیم نموده در ممالک خود جاری داشته اند - گذشته بر این چون قانون اساسی مملکت در این سه نکته قانون طبیعی هم ربط تام دارد بولایت عدم اجرای آن در حقوق و عقود و موارث ما هم هزار قسم حیب و میل و بی اعتدالی و خلاف شریعت مطهره بصله میآید - ازینرو برای قوام سلطنت و آبادی مملکت - و رفاهیت ملت - و قوت دولت - اجرای قانون اساسی طرا اشد ضرورت است که شرعاً عقلاً عرفاً تجربه واجب عین است - و تمرد و تعال در آن خلاف شرع و عقل میباشد

(۲) شورای ملی است - که برای ترقی دولت و بهوش آمدن ملت و حفظ استقلال سلطنت رکن اعظم شناخته شده - قانون اساسی و شورای ملی لازم و ملزوم یکدیگر شناخته میشوند - یعنی با همان اعصای شوری قانون اساسی را مرتب کرده مجری میدارند - و یا مطابق قانون اساسی مجلس شوری بمنفذ میگردد کسانیکه پیوده سران را عادت کرده برای پیشرف مقاصد فاسده خود میگویند ملت ایرانیه جاهل و قائل شورای ملی نیستند بدوات و ملت خود سم و خیانت کرده یا مورد از معنی مشوره آگاه نمیشوند - مقصود از شوری آن است که جمیع گارهای یک ملت بزرگ و مملکت وسیع برای صلح یا غیر صلح یکتصر مجری بشود پیغمبر (صلعم) با اینکه عقل کل بود مشوره در کارها میفرموده و حال آنکه غالب عربهای وحشی آنزمان قابلیتشان از ابرائیسای جاهل این زمان زیاد نبود - جمیع سیاسیون و عقلا و دانشمندان و وزرای نامور و سلاطین پاداش عالم اعم از سلاطین مشروطه و مستبدان و جمهور امروز آنچه میکنند یا مشوره است - بحسب

در قانون اساسی که ما موضوع بحث قرار دادیم غیر از این نیست و در باید گفت سلطنت و مملکت و

شوری لخصاً صلی سلطنت جمهوره ندارد و اولین قانونی تولد
 اگلیس یا اینکه سلطنت شخصی و مستر و قلمند قدوس
 بدون مشوره بر میداوند - علاوه مقصود آن نسبت که
 مرد که قال و پنا دوز ما امروز باید باشد شوری
 شود - آیا میتوان گفت او میانه نسبت ملین همون یا اگر
 میسد نفره در ایران که قابل شوره ای معورت هواله ملحد
 پیدا میشود؟ بخدا میشود - به پنمبر میشود - یعنی
 و بی الله در شهر تبریز یا مشهد و شیراز و خوزین
 و رشت و غیره و غیره از هر طبقه بحال با عالم و ناچار و
 کام - ده فر آدم چیز فهم پیدا نمیشود که قابل مشوره
 باشد؟ در هر شهری دولت فقط سی چهل نفر و صاحب
 خوار بیکار دارد که بسیار از اوقات نایب ملحد کومه یا
 وزیر و بیسکار میشود - اگر اینها که بوزارت و لغارت
 بر می انگیزند - و اختیار صد هزار نفوس را بدو
 هیچ مسئولیت با آن می سپارند - ایستند ندانند
 چرا این خدمات عمده بدانها رجوع میشود؟ هرگاه
 لیاقت دارند چرا شامل شورای امور ملک و ملت و
 دولت بشوند - دیگر آنکه شاهزادگان و رجال دولت و
 وزرا و مستوفیها و غیره و غیره مگر از افراد ملحد نیستند
 که شریک شوری شوند - مقصود آن است کارهای ملک
 و ملت و دولت زیر بحث آمده برای یک نفر مجری
 نگردد - همین قدر که مجلس شورای صحیح منعقد شود
 و جمیع کارهای دولت در آن موضوع بحث آید اولاً در
 قابل زمان اعضای شوری تجربه پیدا نمیکردند لیاقت
 حاصل میبایند - و در ثانی دولت و ملک را هیچگونه
 ربانی از هیچ راه نخواهد رسید مسئله که میانه میسد
 فرمنتخبین مملکت و موضوع بحث بود نیک و بد معضار
 و محاسنش لا محاله آشکارا میگردد - بولی شرط بود
 اینکه استبداد را در شوری راه ندیم و مجلس شوری
 باشد نه باز میچنه چنانچه امروز دولت دارالشوری برای
 باسم دارد و طشالله صدها وزیر دارالشوری داریم
 ولی دارالشوری کجاست؟ ما امروز معلوم نشده و نگردد
 آنها چیست تا کنون همین فکر بد است

تلاوه بر این بر بنی این امر قابل بطور تعلیمین است
 دارالشوری؛ بر این دولت اگلیس کرده و در هر حواله
 بحکم کرد ما بیکدیگر و بیکدیگر - عادت ما لاجرم
 دولت نیست - خطا در همین است - مقصود ایران
 انگلستان نیست که کشاکش با بی مشورت و غریب عالم در اوز
 موضوع بحث شود - منظور آن مجلس شورای ایران است در
 مسائل آنست که قطع او مشورتی را هیچ مجوز اهتالی است -
 طبقاً همیشه مسئله را جمع به شمع و مشورتی در مشورت
 بحث شود هرگز نباید از کشاکش و نادان باشد متوجه
 آن شده متابع قانون را نمیتوانید و ملت است یکی شود
 از این هم گذشت اتحاد دارالشوری ملی است و از تربیت
 و قابل و با اصلاح میباید - و این از جهت استقلال
 هر دو طومر قابل شوری پیدا میکنند
 بنامه ملحدانده امروز - جمیع اصلاحات ملی و ملی
 ایران در تحت این دو امر افتاده - لذا ملک و دولت
 باید با تمام دولت خود مشورتی نمود در زمینه این دوزیک
 یعنی و بچنگ آرند - باقی نواقضات ملک و ملت و دولت
 در تحت این دو شاخ ترقی کرده نمی بخشند
 ورنه اگر عقل جمیع عقلائی عالم را در یک کله جمع
 نموده بوزارت ایران مشورتی نمودند خواهند از این راه بیرون
 نیایند هر چه قطع بماند و دولت هر چه خواهد رسانیده -
 و بجای ترقی بشود خواهیم نمود - آنگاه در ملک دیگر
 بدین متوال بگذرد و بعرواقی قانوق و مجلس المبتنی
 مشوره دست قلمک تزییم باید چشم ان استقلال دولت
 ایران ببوشیم و حریت ملی ایران را و داع گوید - رای
 نگارنده همین بود که در منتهای استقلال هر چه بود
 این دستگاه تازه که بر روی کار آمده هر کام و دین دولت
 مقصود می نمود - و این آغاز راه است مشوره سعادت
 ملت و دولت را درین صورت امر سلطنت - متیوان اهمیت
 شد - ورنه باید استقلال را بد بزرگ کرد - که بخداوند آن
 روز را دیگر صیب ما فرماید که ایام سعادت میروز
 علی اصغر خان و امیر جمعی که هم - چه کسی خطا کرد
 خراب شده و سر حربه امور دولت را در هم کوبیده که

نیوهای زینت تطبیح کرده - طبق خدشات گناخت - تا
 از این جهت مصلحتی در استوار شدن دولت از منجر شدن قزونی گرفت
 در تحقق این مصلحت بی چون و بی چراغ خود کار میکرد - و
 تهیه این مصلحت برای حصول نتیجه مقصود مکتوبه
 چنین میداد هرگز در فکر آن نبود - که قشون
 دولت گشته خواهد ماند - و این سبب از شئون
 دولت در لفظار دول ایجاب خواهد گشت - و
 هیچگاه غمزه آنرا نداشت که در سواحل و سرحدات
 از قوای جنگی و استحكامات مرحدی مدی جلو
 ایجاب خواهد گشت - و برای رفع تطاول مجاورین - و دفع
 طمع محاسنلیکن - و وقتی در امره جنگ دهد - و
 مخارج آن اباره که مقدم بر جمیع مصارف مواتی است
 لزوم توجه مالیات برداشته تا هر یک از افراد قشون
 بقدر شأن خود در امر معاش خویش آموده مانده
 بر تیبیه در اجرای اوامر دولت بر دارد - هیچوقت
 در فکر آن نشد که در سواحل بنای قلاع نظامی کرده
 در آنها وضع تهیهای بر اهل - با قورخانه لازمه -
 بر اعداد دفاع از حله بکشتهای جنگی اجاب نماید.
 بر حال مالیات دولت که در اسبق اهام حقیقه
 جمدهاش صرف مخارج قشون و قوای عسکری دولت
 میشد در صدارت لوجز و اعظم آن عصر و چو مفسدین
 در اختیار نویسان خاصه - و - و - و - و - و - و - و - و - و -
 و حصه مختص آن هم صرف اندرون سلطنت و
 شخصی پادشاه می شد - چه اگر میخواست این مصارف
 را مصلحتی دارد و به ملاحظه بگذراند - مقصودش حصول
 نمی بود - از طرف دیگر مستوفیان و عمده دفتر
 که لایالیگری او را در کلها دیده و هیچ و سرچشم را
 در عمل دولت مشاهده کرده پس از این دو مصیلفه
 هر چه باقی ماند آنها تلواچ نمودند
 چون بیشتر کارهای او بدست مستوفیان اجرا
 میشد - هر گاه میخواست برده از روی کار آنها
 بردارد - و مانع از خرابکاریهاشان شود - تقاببات
 او که در دفتر بقل آنها باید اجرا شود ظاهر

را بداند تا طرد یا بدم بر او بازم عنوالمیستلا هم کسی
 غیر از این نمیداند چنانچه است - نامریی تا به مقصود رسیده
 چه میخیزد از بند و از بند سازد و در می آید و این همه
 طرح میباید از دست بر طلب و دولت و دولت بر این
 چه فلا و این همه برای ملی ما ایران بود زمانه مقدس
 است بود خواهد جمع و از خروج زمانه فتنه دیگر نمی بود
 مانده هم مذاکره اش خیالی از فتنه تصور نمی بود
 ... (میرت در از یاد که اینهم غنیمت است) ...
 ... بر اتم خیر خواه ملت و دولت ...
 ... از تیرج پتیک و خیالات ...
 ... آقا میرزا علی اصغر خان ...
 ... در بعضی اعظم بمنزله - ایران که ...
 ... (تقریباً و ۲۰) ...
 ... فرقه سوم کهای هستند که بواسطه وسواسه بین
 لویو سفارت روس اند - بجهه در هر موقع نمیتوانند
 جلاوس روسی با نغیر روسی منبلافت با ریخیر روس کند -
 فاجر بر اوج و عظمت بین مردمان او را لازم عانت چه که
 حله میخام و بدای در ملت با این عهد بر آینه علاوه
 این حقوق در هر موقع دیگر هم بکار می آید - چنانچه
 برخی از آثار در سفارت ما بود - و بعضی او در منزل
 و در ایوان شام - و در کنگ دولت مجاوسی تو اخبار انگلیسی
 بگشت تا هر چه در آن منازل واقع بکون قور او و او
 بیاطمینان - برای هر یک تن از دیگر مردم که بدینصورت
 گشته مواجب و میسر می - از اصل طالبت مقدر داشت -
 تامله لوی کور بدیانت کرده - باینکه آ - و یکی و فریاض
 بالدر برای حوظیفه حوله سخن و بر مازند ...
 مسلم است که اینگونه اختصاص را از مردمان
 بدین بگردد و از آن بفران بقتضی - لگردد و تا بجا باید
 بر مملکت عزیز ظاهر نمیاید باینکه شخصیت و روح مردم
 بجهت آینه باشد باینکه بفران بفران - و این اشخاص چه میانی
 که این خدشات بزرگی نمی برداشتند و بعد برای قبول
 آنان این اشخاص خطره را باینکه گرفتار از مواجب
 و دست مستوری و مقوری از مطالبات دولت و

میکردید - تاچار لگویا بایشان حق السکوت داد: آنها نیز برای خود و کسان و ستگان و اتباع سفویین بموجب کتابچه های ولایات ایران به اسامی مختلف مقرری و مستمری و خانه وادی و مواجب نوشتند - همه ساله این ترتیب مجری بود. و مالیات دولت را همان موصوف سابق الذکر میبودند و حصه مختصر هم خرج اندرون سلطنت میشد این بود سال باحر میرسید - در صورتیکه از حقوق قشون دولت سه ماه مواجب و نش ماه جیره و عایق داده نشده بود - و دیگر ارباب و وظائف که داری حقوق مشروعه بودند - ابدأ نمی توانستند حقوق خود را دریافت دارند - چون چند سال بدینوال گذشت آه و ناله مردم بلند و شاه شهید متنبه شده درخیال اصلاح عمل ملایه افتاد - چون اگر عمل ملایه اصلاح شده بود - ابدأ او مقاصد مکتوبه خود نمیتوانست رسید - به تدابیر جدید که عما قریب بازاری خواهد شد کار آن شاهنشاه را ساخته آن جهانش فرستاد بالغ بر بیج کرور در ایوقت کبابی رؤی بر فرغ صد میچده طلب داشت - و چند کرور از حقوق قشون و ارباب و طایف پس افتاده بود - یکی دو کرور بنگ استقراضی و کبابی (مسکونت) طلبکار بود - و هیچ این قروض را او بتدابیر برای دولت برایشده بود - تا اینکه او ان سلطنت و زمام تاجداری به شاهنشاه دل آگاه مظفرالدین شاه رسید - و دور دوم صدارت او در ایران شروع شد - بسی ساز حیل کرد - و داستان آغاز نمود - و در خاکهای مبارک محسنات قرض را بار بار بیان کرده درین موقع داد سخن سرانی میداد - اعلیحضرت شاهنشاهی بدو آ زیبار استقراض نمیرفت و یکی از اسباب عزل او همین امر شد که از نظرش انداخته در شهر قم محکومش داشتند - تا بس نذ حیل و دسایس چند - که دوباره بمسند صدارت جای گزید - روزی در حضور اقدس شاهانه بدین نطق سخن آغاز کرد قران - بدو آ عرض کرده حالهم عرض میکنم

امروزه کلمات اعلیحضرت هانوق و تریبک دولت و اقتضای فقرش فزوده - تلبان و سینه تشوینا دخل و خرج دولت فزوده - دست بتکارهای مفیده زوده از منافع آنکارها چند قابل سواد - این قرضه فائده حاصل توایم کرد - عارا - مجاوری - جلا دولتین انگلیس و روس نیست - انگلیسان بوفور نمکت و ثروت از سایر ملل عالم ممتازند و ملا قسیم جنم داشته بتصرف ولایات جنوبی مملکت ایران داشته و دارند - چون بخوایم از آنان استقراض کنیم - بناچار از ماگرو خواهند - و او نیز سواحل فارس خواهد بود - و این کار ابدأ صحیح نیست - و صلاح ملت و دولت ایران نباشد - ولی من متعهد می شوم و قول میدهم که از روسیا قرض کرده بدون آنکه مملکتی به آنان گره دهیم

اعلیحضرت امپراطور روس مردمی سخوش رفتار و نیکو کردار است - هرگز خاطر احدی را برجهندانید - و چون انگلیسان منسک بچقوق پوینده نشده - هر چه بهیج دولت و مملکتی نیاورده است - جز خدمت بهیج نوع بشر از او صلور نگردیده - و غیر از موقوف و واداه - هرگز با ماسری نبوده - این همان امپراطور است که سال گذشته تمام دولت دنیا را باطل بطوتها بخر و صلاح دعوت نموده - اعلان صلح عمومی در ماه - و باجتهای در کنگره (لای) دعوت کرد - زحمت بسیار بود این راه متحمل گردید از سوء قصد و فتنه و فساد انگلیسان خیال منسش انجام نگرفت - لولی آنست که میلی از او وام گیرم - و زیادتی منافع گریه ایمانی همه ساله در اداه این قرض به تسلط بر برداریم -

ورود

جناب مستطاب آقا میرزا محمود کسبر کاشانی وکیل حق السعی بنگ شاهنشاهی در بمبئی شام پنجشنبه هفتم شهر جاری برای حورسی بانیس نکته سوده شان وارد گردیده در تیره هشت عهده (مسن رو) اقامت پذیرد و پس از یکی دو هفته عودت به بمبئی خواهند نمود

حبل اللین کلکته

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراك

(سالانه شش ماهه)

كلية امور اداره

هند - و برمه

بامدير نقل مؤيد الاسلام است

(۱۲ روپه ۷ روپه)

منتظم اداره

ایران - افغانستان

آقا محمد جواد شیرازی است

(۵۰ قران ۳۰ قران)

هر دوشنبه طبع

عمان - و مصر

شنبه توزیع میشود

۵ مجیدی - ۲ سیدی

تاریخ دوشنبه

اروپا و چین

(۱۸ شعبان ۱۳۲۱ هجری)

(۳۰ فرنک ۱۷ فرنک)

حبل اللین

سنه ۱۳۱۱

مصادف

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

روس - و ترکستان

(۱ ژوئیه ۱۹۰۳ میلادی) (خریداران نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات - - ۶ منات)

در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود

مراسلات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست

- شکوفه تازه • نقل ارتداد نامه • تلکرافات •
- مکتوب از پترزبرگ • تعرفه جدید گمرک روس • قابل
- ملاحظه نکته سنجان • مکتوب از اصفهان • پروگرام
- سیر فرما فرمای هند • ترجمه از روزنامه نیویورکیای
- روس • ترجمه از روزنامه استیسن • ترجمه از
- رنگون گزوت • سرحد بندی الامکا • مکتوب یکی
- از وطنخواهان نیویورک • مدراس • ترجمه از روزنامه
- نیویورکیای روس • بوشهر • تأسف • نقل از روزنامه
- شریفة نوروژ • اعلان شریعت اسلامیه • اخبارات
- خارجیه • شمه از شرح یلتیک و خیبات آقا میرزا
- علی اصغر خان • بقیه تلکرافات • سیر فرما فرمای هند در
- خلیج فارس • افغانستان • ترشیز • روزانه بیسه اخبار •
- زلزله در رنگون • همراهان فرما فرمای هند • ترجمه
- از روزنامه استندرد • انا لله و انا الیه راجعون • کلکته •

شکوفه تازه

ارتقاء پست طبیعت چند روزی پیش نیست

نه نشیند عاقبت دردی که شد بالا نشین

در این پست ورقه ارتداد آقا میرزا علی اصغر خان صدر اعظم معزول ایران که علمای اعلام نجف اشرف

کثر الله اعدائهم بیست و یکم جمادی الثانی حکم بتکفیر و ارتدادش عمده بودند با اداره رسید فلأ به نقلش آن اکتفا کرده منتظریم که شرح مفصل آن برسد وقایع نگار حبل اللین چندی قبل نوشته بود که چند نفر علمای طهران مجلساً حکم با ارتداد میرزا علی اصغر خان کردند. ظاهراً علمای طهران پیروی از حکم اساطین نجف اشرف نموده اند. علت حقیق منزل او همین حکم ارتداد بوده سبب خروج یا اخراجش نیز باین عجلت جز این نکته به نظر نمی رسد

نقل ارتداد نامه

(باسمه تبارک و تعالی)

بر قاطبه اهل اسلام سپا ساکنین ایران مخفی نماید که تسلط کفر و استیلاء اجانب بر نفوس محترمه اسلامیه و نجشیدن حریت بفرقه ضاله بایه خلفم الله و اشاعة هنکرات و اباحت بیع میسرکرات در ایران بحدی رسیده که جای توقف و مجال تأمل یبقی نمانده. و یوماً فیوماً در تزیاید و آنچه در مقام تدبیر و دفع این غوائل بائله شده امری ندیدیم. و این نیز بر ما ثابت و محقق گردید که تمام این مفاسد مستند بشخص اول دولت عالیة ایران میرزا علی اصغر خان صدر اعظم است و پادشاه اسلام اعلی حضرت مظفر الدین شاهنشاه ایران خلد الله ملکه در

نهایت دین داری و رعیت پروری و غایت اهتمام را در حفظ حدود مسلمین داشته و دارند. و تمام این مفاسد را این شخص خائن مات و دولت اسلام بر آن ذات اقدس اعمال نموده. چاره جز اظهار ما فی الضمیر ندیدیم لهذا بر حسب تکلیف شرعی و حفظ نوامیس اسلامی که بر افراد مسلمین فرضی عین است به خطبات دانی و کفر باطنی و ارتداد ملی او حکم نمودیم تا قاطبة مسلمین و عامه مؤمنین بدانند ~~که~~ ارین و بعد مس با رطوبت میرزا علی اسفرحان جاثر نیست. و اطاعت او امر و بواهی او مثل او امر و نواهی حجت و طاعت است. و در رسره اصرار نریدن معاویه محشور خواهد بود (وله تعالی لن یجعل الله الکافرین علی المسلمین سبیلاً اللهم اما نشکو الیک فهد مینا و غیت ولینا)

بتاریخ (۲۱) جمادی الثانی سنه (۱۳۲۱)

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| الحاج میرزا اخیل | الافل محمد حسن الماغانی |
| محل مهر مبارک | محل مهر مبارک |
| الاحمر محمد کاظم الحراسانی | الاحمر محمد الشریسانی |
| محل مهر مبارک | محل مهر مبارک |

تذکرات

(۸ شعبان - ۳۰ اکتوبر)

افواه است که سافرت وزیر خارجه روس در فرانس بیان صلح را محکم نمود. و دولت فرانسه را در ماده ملاقات امپراطورین روس و آلمان اطمینان بخشیده است. اخبارات فرانسه را عقیده بر این است که وزارت خارجه روس بشارت خبر صلح آمیز مناقشه اقصای شرق را نیز به پاریس آورده است.

(کونت لسدروف) وزیر خارجه روس به (مسیو لوبه) رئیس جمهوری فرانس خط قلمی امپراطور روس را تقدیم کرده که تبریک ملاقات پادشاه ایتالیا را بایشان داده. و از اتحاد بین انگلیس و فرانس و ایتالیا اظهار مسرت نموده طاهر داشته است که دولت روس چهار صلح جو و امنیت طلب و خواستگار اتحاد با فرانسه بوده و میباشد.

قشون زیادی در (بلژا) رسیده هستند. چنان دارند در (بارسیلونا) بلوی نمایند.

وزرای دولت ایتالیا مجدداً انتخاب شده. (سنور حیالقی) وزیر دربار و وزیر داخله (سنور لوزاری) وزیر مالیه. (سنور تینوتی) وزیر خارجه. (سنور باچی) وزیر زراعت و قشون گردید.

دولت فرانس شرکت تعمیر راه آهن بغداد را با دولت آلمان منظور نموده. لذا دولت آلمان منفرداً تعمیر راه آهن مزبور را ذمه گرفته است.

(۹ شعبان - ۳۱ اکتوبر)

(مسیو دلکاسی) وزیر خارجه فرانس در پارلشوری ضمن تقریرات خود بیان نموده که سفیر دولت فرانسه با سایر سفیران دول در چین ماحظن راه آهن (بنان) را منظور نموده اند.

در پاریس تدارک زیادی برای علاج بیماری (غلبه النوم) نموده سه نفر را در شفاخانه آورده با گاز (مولدالنجم) علاج مینمایند.

وزیر خارجه روس کونت (لسدروف) از پاریس حرکت نمود.

برای اهمیتیکه در معاملات (ولادی وستاک) ملاحظه شده امیرالبحر (الکس اف) مقر حکومت بنگالی خود را از بندر (آرتور) به (ولادی وستاک) تبدیل کرده است.

اداره تجارنی و بحری روس منظور نموده که یکسر جهازات از (ادیسه) بخلیج فارس مستمراً عبور و مرور نماید. دولت روس نیز قول داده است که بر سیل استعمار یک فرزند کشتی جنگی خود را در خلیج فارس بگذارد.

(۱۰ شعبان - اول نومبر)

(لاکاردی) در دریاچه (آسال) برف دولت فرانس را بلند نمود.

شدت باران و طغیان رودخانه (طمس) در انگلستان مورت زبان و نقصان گردیده. خصوصاً در (ویند سر - و آکسفورد)

(۱۱ شعبان - ۲ نومبر)

§ غیر (روتر) از یکن خبر میدهد که دولت چین در باره تصرفات روس در (مکدن) ملتی بسفراء دول سائو شده استجداد جسته راهان خواسته است
§ سیفر دولت انگلیس در (واشنگتن) شروط مبادله اطانت بست برا بین امریکا و هنگانگ اعلان داده و اراده دارند اجرت بست را نیز بین امریکا و هنگانگ بکامند

§ غیر (روتر) از یکن خبر میدهد که امپراطریس (دوجر) امروز مجلس منعقد و در ماده تصرفات روس در (مکدن) بحث نمود - و (بوالشیکائی) را نیز از (نیت سن) طلب کرده است سرداران روس جنرل (نار) که از طرف چین سردار (مکدن) بود حبس نموده اند
§ مسپو (زوکارف) ایاهی (بلغار) که تازه در لندن وارد شده بیان نموده است که فساد (مقدونیا) اصلاح پذیر نیست و آمدی اشکر عثمانی روز بروز زیاد میشود - جنگ بین عثمانی و (بلغار) در باره (مقدونیا) عاقبت حتمی الوقوع است

§ قطار راه آهفی که حامل (۹۴۰) مسافر بود در امریکا تصادم یافته نصب و پنج نفر مجروح و ۲۳ نفر هلاک شده اند

§ در (نیویارک) حریق واقع شده بیست و پنج نفر در آتش سوخته اند

§ ایاهی دولت انگلیس از (اطن) بای محنت یونان بیفارت (ماردریچ) اسپانیا ارتقاء عهده یافته است

(۱۲ شعبان - ۳ نومبر)

§ غیر روتر از (یکو هلم) خبر میدهد که رسماً ظاهر شد دولت روس سوچه (پانگلفو) را تخلیه نموده - و قشون خویش را از آنجا حرکت داده فقط بیست نفر پلیس برای حفاظت نمائنده خود در آنجا گذاشته است

§ بموجب تلگرافیکه از (توکيو) به اخبار (دیل میل) رسیده یوم یکشنبه قرب (جیل بو) بین ملاحان

ژاپنی و روس مناقشه پیش آمده ده هر از ژاپونیان و جماعتی از روسیان مجروح گردیده اند
§ درشمال و مغربی افریقا که از متصرفات آلمان است فرقه (بندلوارتر) بر خلاف دولت مشاورانها برحاسته کشتی جنکی (وارمبار) آلمان را مایود ساخته - بموجب خبریکه قونل آلمان در شهر (کپ) رسیده حکتان (و ارمبار) کشته شده و سردار طایفه (بندلوارتر) نیز قتل رسیده است

§ بموجب تلگرافیکه از عدن رسیده روز وشنبه کشتی جنکی ایتالیا (لومباردیا) بجهت (اویه) رهبار گردید - و دو کشتی جنکی دیگر دولت مشار ایها (گالی - و کواتتا) و یک کشتی جنکی دولت انگلیس (یاریاثر) روز دیگر بجهت (اویه) حرکت نموده اند
§ رئیس جمهوری دولت آنزونی (مسروروزبول) عدم رضایت خود را در طلب نمودن نمایند (کولیا) از (بناما) که مخالف با عهدنامه است ظاهر دانست

§ از (کولن) خبر رسیده که در (ایستس) اغتشاش نمودار یک کشتی جنکی (کولیا) و یک کشتی امریکایی در (کولن) وارد شده اند

§ سفیرای دول را از باجهالی منباب مجوزة اصلاحات جدید دولتین روس و آستریا در ماده (مقدونیا) جوابی رسیده که مخالف با مقاصد آنان است - باجهالی در باره مجوزات جدید دولتین مشارالیه نوشته که آنچه را دولت عثمانی از اصلاحات اجرا داشته مناسب بوده و سایر مجوزات آنها را صلاح در اجرا ندیده است

§ دولت انگلیس - آلمان - فرانس و ایتالیا سفیرای خود را هدایت کرده اند که در مجوزة اصلاحات جدید دولتین روس و آستریا به باجهالی تأکید نمایند

§ تلگرافی که از (شنکهای) به طمس (لندن) رسیده ظاهر میدارد که (چانگچی تانگ - و بوالشیکائی) از دولت چین خواهش نموده اند که با دولت ژاپن اتفاق کرده رفع اجحاف و زیادهای روس را بمانند -
§ تکمیل وزرای ایتالیا از بنقرار شده (سنوریشدانی)

وزیر جنگ (سنورمیرابیلو) وزیر بحری - (سنور
راد) وزیر زراعت مقرر گردید - میگویند که چون
وزیر خارجه حیدر ایتالیا در مدارس عالیہ (آکفورد)
تمام یافته با خیالات دولت انگلیس همراه است

(۱۳ شعبان - ۴ نومبر)

§ آزادی بوغاز (بناما) دیروز رسماً اعلان شد -
جماعتی از سیاستون در آفقام که جنرال (ناور و امیجا)
مید و قشون ساخلوی نیز موجود بود رفته اند

§ در (اشکنن) شهرت دارد که کشتی جنگی دولت
آنازوی ~~سکه~~ در (کولن) رفته فقط برای جلوگیری
شورشیان و رفع بلوا بوده است

§ پریس (آدلبرت) فرزند ارچند امپراطور آلمان
در کشتی (کوینگ البرت) از طریق (سوئز) بجانب
چین رهسپار گردید

§ مستر (پیری) که رئیس انجمن عملیات (جو هانسبرگ)
است برای تدارک عاجب - بجانب چین رهسپار گردید
§ بلوایشان (بناما) تصدیق آزادی بوغاز را نموده
جهازات را احاطه کرده افسران بری و بحری رامقید
ساخته و حکومت جدیدی برای خود منتخب نموده
اند - کشتی های امریکا در (بناما) و (سکولن)
برای افتتاح رودخانه (ایستمس) رفته کشتی (کولیا)
در (بناما) آغاز به عملیات نموده نهر چینیا تراقتل
رسانیده - ویسل قوسل امریکا را حکم رفته که
جلو این افتشاش را بگیرد

§ امپراطور ویلم و (کونت وان بلو) وزیر خارجه
آلمان در ایستگاه (ویسیدن) امپراطور روس و (کونت
لسدروف) وزیر خارجه روس را استقبال نمودند -
(پراس هری) برادر امپراطور آلمان و (دیوک هسی) معبد
امپراطور را از (درمستد) داشتند - امروز مهمانی
رسمیه از امپراطور روس خواهد شد - و پس از سیر
بائشای بازی گرخانه هودت در (درمستد) خواهند نمود -
(۱۴ شعبان - ۵ نومبر)

§ بجهت نهر از قشون امریکا در (کولن) وارد

گردیده که اعتراض در انتخاب حکومت جدید بلوایشان
(بناما) نباشد - شور و خروش اهالی از اندازه بیرون
است

§ در حلقه سیاستون (واشکنن) افواه است ~~سکه~~
بلوایشان (بناما) را لازم است حکومتی را برای خود
انتخاب نمایند که دولت آنازوی منظور تواند نمود - و
در ماده بوغاز متنازع فیه با وی مخبره بتواند کرد
§ شبکی که در (بناما) شده چندان نقصان وارد
نیارده - فعلاً امنیت برقرار و جان و مال اهالی
خارجہ محفوظ و قشون امریکا مراجعت نمود -

§ امپراطور روس به (درمستد) هودت فرمود -
از وقتیکه امپراطور موصوف در (ویسیدن) وارد شد
قشون زیاد در تمام شهر منتشر و دو رویه نصف
سته و حکم شده بود احدی بالای دره ازه و درجه
عمارات قرار نگذرد و تمام ~~سکه~~ و بازار از پلیس
خفیه و یاسبانان محض حفاظت امپراطور روس محلو بود
§ (مستر چیرلین) وزیر مستعفی مستعمرات دولت
انگلیس در (مکهم) بحضور یازده هزار نفر نطق
باینی ایراد - خیالات خود را مجدد در قلوب آنان جای
داد - و لزوم پیروی از رأی او را نشان داده است -
مسترموصوف را رای بر این است که مستعمرات دولت
انگلیس بمنابۀ قطعه از انگلستان است - باید ملحق بوی
شود - و نیز اظهار داشت که (سرمبچل هیکس بیچ -
و مستر کاسین - و مستر ریچی) مانند سایر رطایب -
از تجربه کارهای دولتی چنانچه باید و شاید بهره
دارند - ضرر مستر چیرلین و نکته چینی های وی
در قلوب عامه جای گرفته کسب اهمیت نموده است

✽ مکتوب از پترسبرگ ✽

✽ ۲۰ رجب سنه ۱۳۲۱ ✽

مؤیدالاسلام - برای آنکه شخص جنابعالی مطلع از
تصرف جدید کمرک ایران در روسیه باشید - تعرفه کمرک بعض
اشیائیکه از ایران وارد بخاک روسیه میشود ترجمه کرده
فرستاد - این نکته را البته جنابعالی بهتر مطلعید که محل

| نمره | جنس | پوط | کپک | منا |
|------|---|-----|-----|------|
| (۱۲) | پيله | ۵۰ | ۵۰ | ۱۸ |
| (۱۳) | لاس | ۵۰ | ۵۰ | ۶۰ |
| (۱۴) | مالهای بافته شده | | | |
| (۱۵) | خالص ابریشم | | | ۳۰ |
| (۱۵) | پارچه‌های بنه و ابریشم | ۲۰ | | ۱۵ |
| (۱۶) | مالهای بنه با ابریشم | ۲۰ | | ۷ |
| (۱۷) | فرش ابریشم | | | ۳۰ |
| (۱۸) | فرش پشمی عالی و غیره | | | ۴ |
| (۱۹) | کرباس - چادر شب - بند زیر جامه - جوراب و غیره | | | (۲) |
| (۲۰) | پشم و کلک | ۳۰ | | |
| (۲۱) | کنجد | | | معاف |
| (۲۲) | کنف که کیسه و حونی بافته میشود | | | معاف |
| (۲۳) | کتیرا هر قسم | ۹۰ | | ۱ |
| (۲۴) | زربینخ | ۱۲۴ | | |
| (۲۵) | حنا | ۴۵ | | |
| (۲۶) | شکر قرمز مارندان و گزنکین همدان | ۸۰ | | ۱ |
| (۲۷) | سقد که خوراک تمام ترکستان است | | | ۹ |

عمده محل صادرات ایران بزرگ روسیه و بازار کاره است - یعنی روپمرقه بالغ بر نصف صادرات ایران در روسیه تصرف میشود گمرک جدید روس نیز مثل تعرفه ایران از روی وزن قرار یافته - میزان را (پوط) و منات و کپک قرار داده اند - (پوط) بجمین نیم تبریز است - و منات کم از شش قران ایران - صد کپک یکمنات است

تعرفه جدید گمرک روس

بر مال التجاره ایران

| نمره | جنس | پوط | کپک | منا |
|------|------------------------------------|-----|-----|-----|
| (۱) | خشکبار از قبیل کشمش مویز قیسی خرما | ۲۵ | | |
| (۲) | مغز بادام و مغز پسته | | | |
| (۳) | و پسته ما پوست | ۴۰ | | |
| (۴) | پسته | ۴۰ | | |
| (۵) | پوست بزینه خشک | ۶۰ | | |
| (۶) | پوست بزینه تر | ۳۰ | | |
| (۷) | پوست بره برای کلاه | ۱۰۰ | | |
| (۸) | میشین | ۸۰ | | |
| (۹) | چرم همدان | ۸۰ | | ۱ |
| (۱۰) | تجاج همدان و غیره | ۱۰ | | ۱ |
| (۱۱) | گفتش زنانه و مردانه | ۷۶ | (۱) | |
| (۱۲) | ابریشم | ۶۰ | | |

(۱) بالغ بر پانصد نفر ایرانیان بواسطه آن مقدار کفشی که همساله در روسیه بیرون بردند در داخله ایران مشغول بکار بودند - مسلم است که ازین و بعد بک زوج گفتش مردانه یا زنانه با این گمرک گداف روسیه نخواهد رفت - علاوه بر فوائد تجاری و صنعتی که ما را در این جنس حاصل بود - ارشادت این تعرفه جدید گمرک گویا پانصد نفر اهالی فلک زده ایران با قلت کارهای داخله فعلاً بیگس کار شدند - این است معنی مال اندیشی

(۲) بالغ بر ده هزار نفر در اجناس نمره (۱۴) تا (۱۹) با اداره که در روسیه بیرون بردند در داخله مشغول بکس بودند و غالب دستکاری آنان باب روسیه بود - با این تعرفه جدید امکان ندارد بسیاری ازین اجناس مذکوره در خاک روسیه بفروش رسد - علاوه از قلیکه در صادرات ملک عاید شده چه قدر نفوس فقیر ایرانیه بیگس و کارماده - ربنایان و بزرگان ولایات خارجه گرفته و خواهند گردید - چنانچه تا کون جماعتی از شعر بانوانهای ایران وارد بخاک روس شدند - قیناً بساثر بلاد نیز منتشر خواهند - هرگاه ووات تحقیق این امر را خواسته باشد از اداره مذکوره بنوع صحیح میتواند خود - نامعلوم شود وزیر گمرک چگونه خدمت صادقانه ملت و دولت کرده است

| نمبر | جنس | بوط | کلیک | مناک | نمبر | جنس | بوط | کلیک | مناک |
|------|----------------------|------|------|------|------|---------------------|-----|------|------|
| (۲۸) | حصیر - زنبیل و غیره | ۸ | ۱ | (۳) | (۴۰) | حلولیات ساخته | | | |
| (۲۹) | سندولی - نخته و غیره | ۳۶ | | | | شده بوب شده هر قسم | ۴۰ | ۱۴ | (۶) |
| (۳۰) | نعم مرغ | صداد | | | (۴۱) | عسل با طرف | ۸۰ | ۱ | |
| (۳۱) | عله هر رقم | | | معاف | (۴۲) | سری جات | | | معاف |
| (۳۲) | نیباکواصمهان کاشان | | | | (۴۳) | مس ساخته شده و نشده | ۲۰ | ۷ | (۷) |
| | و شیراز و غیره | بوط | ۷۵ | | (۴۴) | دواجات گل گیاه | ۱۵ | | |
| (۳۳) | تونون ارومیه تبریز | | | | (۴۵) | چغیر و شاتر آبنبات | | ۱ | |
| | همدان و غیره | | ۷۶ | | (۴۶) | کلکونه میوجات مانند | | | |
| (۳۴) | سیکار برگ بریده | | | | | سرکه آب لیمو آبغوره | ۲۵ | | |
| | رشت و غیره | | ۱۹۲ | (۴) | (۴۷) | په | ۳۰ | | |
| (۳۵) | ماهی تر | | ۱۱ | | (۴۸) | غذ و ساز مالهای | | | |
| (۳۶) | ماهی خشک | | ۸۰ | (۵) | | مالیده شده | ۵۰ | | |
| (۳۷) | برغ اعلا | | ۱۵ | | (۴۹) | روغن و کره | | | قدغن |
| (۳۸) | برغ متوسط | | ۷ | | (۵۰) | ذغال | | | معاف |
| (۳۹) | چلتوک | | | | (۵۱) | کاه علف ار هر قسم | | | معاف |

(۳) درین عمل جماعتی از رعایای ایران اشتغال داشتند. و عمده صرفش روسیه بود از وقتیکه تعرفه جدید گمرک را جاری نموده اند مک زنبیل و حصیر از ایران وارد خاک روسیه نشده است. درین ماده نیز هم نقصان صادرات و هم سیکاری رعایا موجود است. شاید برخی از دیپلماتهای ما هم صحت ما را عقیده این باشد که حصیر و زنبیل دیگر قابل مذاکره نیست ولی نقصان خواه قابل و خواه کثیر نقصان و ناگوار است.

(۴) احسان نمرة (۳۲) تا (۳۴) نیز از جمله صادرات است که در خاک روسیه خیلی صرف می شود. پرواضح است که با این گمرک گداز امکان ندارد. مثالی ازین اجناس در روسیه وارد شود. ضرر این امر بر صادرات ایران ناچه یاب است دانشمندان بخوبی استنباط می توانند نمود. لازم بتشریح و بیان ما نیست. فقط برای تذکره خاطر غیرتمندان وطن و دیپلماتهای با دانش ما اشاره کافیست.

(۵) روسیهای در گمرکهای ما از روی علم فریب داده اند. چه با این گمرک صرف می شود. در روسیه که ماهی از دریای مازندران روسیه فرستاده شود. و عمده صرف ماهی مازندران در روسیه بود. چون بمحاک روسیه نرود. طبعاً صید ماهی موقوف خواهد شد. چندیکه صید ماهی ترک شود ماهیهای دریا توالد و تسائل زیاد نموده طبعاً بان طرف دریا که در قبضه زوس است قتل خواهند نمود. از آن بعد روسیان در سواحل خود صید ماهی کرده ازین احتیاج رهائی خواهند جست. و این تجارت نیز از ایرانیان موضوع خواهد گردید. از روی استاتستیک گمرک ماهی خشک و بر از صادرات عمده ایران محسوب است.

(۶) حلولیات ایران در خاک روسیه خیلی صرف می شود. بذریقه این گمرک زیاد قطع دخول این جنس را نیز از ملک خود نمودند.

(۷) کسایحکه در خاک قفقاز میدادند عمده ظروف مسینه آنها از ایران می آمد. با این گمرک یک محمل مس ایران در خاک روسیه وارد نخواهد گردید. مانع بر پلصه فر مسگرهای ایران خاصه کاشان از روی این تعرفه جدید سیکار یابده اند. خداوند بر ذکون و دانش دیپلماتهای ما بیفزاید.

| | | | |
|------|--------------|--------|------|
| نمره | جلس | بک | منات |
| (۵۲) | اسب | یکران | ۵ ۴۰ |
| (۵۳) | شتر | یکفتر | ۹ ۴۰ |
| (۵۴) | قاطر | یکراس | ۲ ۲۰ |
| (۵۵) | گاو | یک بند | ۱ ۸۰ |
| (۵۶) | سپهر با | یکد | ۱ ۸۰ |
| (۵۷) | گوسفند - مرغ | ۵ | ۸۸ |

هرگاه کسی بخواهد تنها گو و توتون و قاپون وارد خاک روس نماید - در هر مورد ایران باید از قونسل دولت مهارالها شهادت نامه گرفته علاوه بر زحمت فوق العاده برخی مصروف نیز بر او تعلق میگیرد و همچنین اجناس منسوجه ایران باید (بولوم) که نشان گمرک است بر او خورده تا وارد بخاک روس بتواند شد - این نیز صرف و زحمتی فوق العاده دارد

ملاحظه ملاحظه نکته سنجان

با این گمرک سنگینی که دولت روس بر ائمه ایران نهاده مسلم است که قالب اجناس ایران در خاک روسیه وارد نتواند شد - بی صرف نخواهد کرد - هزارها تنه ایران که در خاک روسیه مشغول به رواج و ترویج ائمه و اهل خود بودند - دست از کار کشیده بی از روی اجبار بیکار شده اند - نقصان این امر تا یکجا باید دولت ایران، تواند شد لازم به بیان نیست - هر فیضی که اندک تعلق در بین نگارشات نباید ملتفت نتواند شد

در آخر این سال ظاهر خواهد گردید که تا چه اندازه صاهوات ایران در خاک روسیه کم شده است

سنة گذشته یعنی سال (۱۹۰۲) میلادی حالالتجاره و ابراه ایران بانصد و بجاه و هفت کروڑ و دو بیست هزار قران بقیع آمده بود - و در همان سال صادرات ایران سیصد و پانزده کروڑ و صد هزار قران مهین شد - بملاده اخیری دو سیصد و پنجاه و هفت میلیون و صد و هزار قران واردات ایران بر صادراتش اضافه بوده است - بنابراین واضحتر - باید گفت که همه حاله

علاوه بر مبادله صادرات دو سیصد و پنجاه و هفت کروڑ و یکصد هزار قران بوله در برابر ائمه خارجه از ایران خارج میشود - و این میزان است که سال گذشته (مسیونوز) در استاتستیک گمرک ظاهر داشته حساب انگشت شمار بست بجای اینکه در حال حوات درجانی برای این درد مهلك نكه حایة ائمه و ملت و ذات و دولت شده نمایند جدی در حل این حزن صادرات ایران نیز کشیدماند چنانچه ذکر کردیم بیشتر صادرات ایران در روسیه صرف میشود - یعنی در صد - پنجاه و هفت صادرات ایران بر روسیه میرود - از این تعرفه جدید معلوم است که صادرات ما در خاک روسیه خیلی نقص حاصل کرده و تا چه اندازه از ثروت ملت و ملت خواهد کاست - دانشمندان هر ملت از روی (پلتیکل اکانومی) بی علم ثروت المثل بهترین مسامی جمله خود را صرف میکنند که صادرات ملتشان بر واردات آنان فزونی گیرد - ولی از روی جهالت یا نادگی و یا جاهل عارفان رجال طردسید در حل این جزئی صادرات ملت خود نیز میکنند شاید بعضی را سخن این است که چون گمرک واردات ایران زیاد شده طبعاً ائمه خارجه در ایران کم وارد خواهد شد - ولی از این نکته غلطند که اهالی ایران و لوده برابر این بر اجناس خارجه گمرک گذارده شود مجبور بهستعمال آن میباشند - چه هیچ سبابیکه رفع احتیاج ملت را از خارجه بخاید آمده و میباید ندرد در صدی ده الی پانزده آنچه تخمین عمده از واردات ایران خواهد کاست و قطعاً صدی بیست و پنج از صادرات آنها - یکی از دیپلماتهای ما بیان میکرد که اگر دولت روس بر ائمه ایران گمرک زیاد نهاده ضررش باید بر طایلی اوست ولی بچند جبهه در این موضوع خطا کرده

اول - آنکه آن اجناس که از ایران بر روسیه میرود و گمرک زیاد بر آنها نهاده شده جز قوت و ملرومات حتمیه بنهار بست - و رعایای روس مجبور بخریداری آن اجناس نیستند - در صورتیکه قیمت آن زیاد شود ترک خریداری آن اجناس را در کمال سهولت خواهند گفت